

## شناسایی گوینده خطبه مشهور به متقین

کاظم استادی<sup>۱</sup>

### چکیده

خطبه همام، متقین را توصیف کرده و برای آنان بیش از صد صفت برشمرده است. برای این خطبه، ترجمه‌های مستقل و شروح فراوانی نوشته شده است؛ اما در این میان و با پژوهش‌های جدید، روشن شده که روایت یا خطبه متقین به سه مدل در منابع متقدم درج شده و با هم اختلافات فراوانی دارند؛ به طوری که متن برخی منابع با متن نهج البلاغه، اساساً متفاوت هستند. با توجه به اهمیت خطبه متقین و برخی تشکیکاتی که نسبت به برخی از خطب و مطالب نهج البلاغه وجود دارد، اکنون لازم است از جهات مختلف، اصالت سنجی مستقلی پیرامون این خطبه صورت پذیرد؛ برای نمونه بررسی شود که گوینده یا نویسنده آن کیست؛ بنابراین می‌توان پرسید: ۱. اسناد خطبه متقین در منابع متقدم چگونه هستند و چه اختلافاتی با هم دارند؟ ۲. این اسناد چه جمع‌بندی را پیرامون راوی اصلی و گوینده متن خطبه در اختیار ما می‌گذارد؟ ۳. با بررسی متن خطبه، چه شواهدی برای تأیید انتساب گوینده آن، پیش روی ما است؟ نوشته حاضر، به بررسی تطبیقی خطبه همام در منابع متقدم تا قرن هفتم، پرداخته که نتایج پژوهش نشان می‌دهد که نام راوی اصلی خطبه، مخدوش و شامل این افراد است: ۱. راوی مجهول؛ ۲. ابن عباس؛ ۳. نوف بکالی؛ ۴. سلیم بن قیس؛ ۵. حسن بصری؛ ۶. اوفی بن دلهم؛ ۷. علی بن حسین<sup>(ع)</sup>؛ ۸. امام

۱. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، پژوهشگر مطالعات اسلامی، kazemostadi@gmail.com

صادق (ع)؛ ۹. امام باقر (ع)؛ ۱۰. ذوالنون المصری. از سوی دیگر، گوینده خطبه نیز در این افراد، نامتعیین است: ۱. علی (ع)؛ ۲. حسن بصری؛ ۳. عالم؛ ۴. ابن عباس؛ ۵. علی بن حسین (ع)؛ ۶. ذوالنون المصری. اما با توجه به شواهد متنی و داستان همام، به نظر می‌رسد که خطبه متقین از تراث صوفیه باشد.

واژه‌های کلیدی: نهج البلاغه، خطبه همام، حضرت علی (ع)، سید رضی.

## ۱. مقدمه

نهج البلاغه در سه بخش خطبه‌ها، نامه‌ها، کلمات قصار دسته‌بندی و ارائه شده است که البته ترتیب برخی از مطالب در نسخه‌های خطی متفاوت هستند و حتی برخی از نسخه‌های نهج البلاغه، دارای تعداد متفاوتی از خطبه‌ها و مطالب می‌باشند (شوشتری، ۱۳۷۶، ج: ۱: ۳۷). در هر صورت، بخش ابتدایی و اصلی نهج البلاغه، گزینشی از برخی خطبه‌های امیرالمؤمنین بوده که شامل ۲۴۱ خطبه است. تمامی خطبه‌های نهج البلاغه در نسخه‌های خطی متقدم آن، بدون عنوان و نام هستند و فقط چهار خطبه شقشقیه (ش ۳)، غراء (ش ۸۳)، اشباح (ش ۹۱) و قاصعه (ش ۹۲) احتمالاً توسط سید رضی یا نسخه‌برداران، نام‌گذاری شده است (رشاد، ۱۳۸۰، ج: ۱۲: ۱۹).

خطبه‌های متقین، غراء و شقشقیه، از مهم‌ترین خطبه‌های نهج البلاغه معرفی شده‌اند که در این میان، خطبه متقین یا همام چونان یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین خطبه‌های نهج البلاغه مطرح شده است (مطهری، ۱۳۷۲، ج: ۱۶: ۳۵۹) این خطبه اخلاقی عرفانی، به درخواست «همام» که گفته شده یکی از یاران و شیعیان امام بوده است (ابن ابی‌الحدید، بی‌تا، ج: ۱۰: ۱۳۳)، در توصیف صفات متقین بیان شده است؛ هرچند که شخص همام در این خطبه، از اسامی مشترک بوده و هویت وی در خطبه، شناسانده نشده است.

گوینده خطبه همام، متقین و پرهیزکاران را توصیف کرده و برای آنان، بیش از صد صفت برشمرده است. از آنجایی که این خطبه بسیار مهم شمرده شده است، ترجمه‌های مستقل (دین‌پرور، ۱۳۸۵) و شروح فراوانی (مجلسی، ۱۳۸۵) مخصوصاً در دوره‌های متأخر بر آن نوشته شده و در تعداد بسیار زیاد منتشر شده است؛ اما در این میان با پژوهش تطبیقی جدیدی که صورت گرفته، روشن شده است که روایت یا خطبه متقین، به سه مدل در منابع متقدم درج شده است که اختلافات جزئی و کلی فراوانی با هم دارند؛

به طوری که متن برخی منابع، با متن نهج البلاغه کاملاً متفاوت هستند. همچنین، با توجه به تفاوت های متنی دیگر منابع به نسبت تاریخ تألیف آن ها، به نظر می رسد که متن یک روایت اولیه که حدود صد کلمه بوده است و در معاجم معتبر عرب وجود داشته، به تدریج توسط برخی از مشایخ حدیث و موعظه، مشروح شده است. این اضافات و تغییرات بر متن اصلی روایت، در چرخش زمانی میان مؤلفین و نسخه برداران، به چهار گروه روایت متمایز با تحریرهای مختلف تبدیل شده است (استادی، ۱۴۰۱).

از سوی دیگر، برخی از اندیشمندان در نسبت دادن متن نهج البلاغه یا لاقبل بخشی از مطالب آن به حضرت علی<sup>(ع)</sup> تشکیک کرده اند (استادی، ۱۳۸۳: ۲۸۴؛ شهرستانی، ۱۳۸۷: ۱۱۵، ۱۲۵؛ السید، ۱۴۰۶ هـ.ق)؛ هرچند در مقابل، برخی از علمای شیعه و اهل سنت، نسبت دادن این کتاب و سخنان آن را به حضرت علی<sup>(ع)</sup> درست می دانند و معتقدند که این سخنان اصیل هستند و بدون تردید از امام علی<sup>(ع)</sup> می باشند (استادی، ۱۳۸۳: ۲۸۴؛ شامحمدی، ۱۳۸۹). به واسطه همین تشکیکات، برخی از پژوهشگران شیعه برای اثبات صحت و اعتبار سخنان و مطالب نهج البلاغه، آثار، مقالات و کتاب های متعددی در مورد اسناد و مدارک نهج البلاغه نوشته اند (حاجی خانی، ۱۳۹۷؛ مقالات مجلات پژوهش های نهج البلاغه و پژوهشنامه نهج البلاغه).

#### ۱-۱. پیشینه

پیرامون کلیت اسناد و مدارک نهج البلاغه یا بخشی از آن، آثار و کتاب های متعددی منتشر شده است؛ همانند: ۱- استناد نهج البلاغه، اثر امتیاز علی عرشی؛ ۲. اسناد و مدارک نهج البلاغه، اثر محمد دشتی؛ ۳. اسناد و مدارک نهج البلاغه، اثر رضا استادی؛ ۴. بحثی کوتاه پیرامون مدارک نهج البلاغه، اثر رضا استادی؛ ۵. بررسی اسناد و مدارک نهج البلاغه، اثر سید جواد مصطفوی؛ ۶. پژوهشی نو در اسناد نهج البلاغه، اثر فرزانه فتحیان و وحید سبزیان پور؛ ۷. پژوهشی در اسناد و مدارک نهج البلاغه، اثر محمدمهدی جعفری؛ ۸.

تکملة المنهاج، اثر حسن حسن زاده؛ ۹. مدارک نهج البلاغه، اثر کاشف الغطاء؛ ۱۰. مصادر نهج البلاغه و اسانیده، اثر سید عبدالزهراء حسینی؛ ۱۱. مصادر نهج البلاغه، اثر عبدالله نعمت؛ ۱۲. منهاج البراعة، اثر میرزا حبیب الله خویی؛ ۱۳. نهج البلاغه، اثر صبری ابراهیم السید؛ ۱۴. نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه، اثر محمد باقر محمودی.

برخی از این آثار، به مناسبت بررسی اسناد و مدارک نهج البلاغه، اشاراتی نیز به وضعیت خطبه همام داشته اند (السید، ۱۴۰۶ هـ.ق: خ ۹۶)؛ اما به ابعاد مختلف اصالت سنجی و استنادسنجی این خطبه در منابع متقدم نپرداخته اند. برخی مقالات نیز به تفسیر یا بررسی سبک شناختی خطبه همام توجه داشته اند (امیدی پور، ۱۳۹۶).

## ۲-۱. طرح مسئله

با توجه به اهمیت خطبه مشهور به متقین و مجهول بودن نام همام در خطبه و نیز برخی تشکیکاتی که نسبت به برخی از خطب و مطالب نهج البلاغه و نیز اصالت متن خطبه همام وجود دارد، لازم است اصالت سنجی و اعتبارسنجی مستقلی پیرامون این خطبه از جهات مختلف صورت پذیرد؛ مثلاً چون اکنون متن روایت یا خطبه متقین در دست ماست، وجود این متن نشان می دهد که بالاخره این گفته، گوینده و نویسنده یا گویندگان و نویسندگانی داشته است؛ پس لازم است صاحب متن مشخص گردد؛ بنابراین برای دستیابی به این موضوع، می توان پرسید: ۱. اسناد خطبه متقین در منابع متقدم چگونه است؟ ۲. آیا اختلافی در انتساب خطبه به فرد یا افرادی در این اسناد ملاحظه می شود؟ ۳. این اسناد، چه جمع بندی را پیرامون راوی اصلی و گوینده متن خطبه متقین در اختیار ما می گذارد؟ ۴. با بررسی متن خطبه، چه شواهدی برای تأیید انتساب گوینده خطبه، پیش روی ما قرار می گیرد؟ پژوهش حاضر، با ذکر مقدماتی، به بررسی این مسائل پیرامون خطبه همام در منابع متقدم تا قرن هفتم، خواهد پرداخت.

## ۲. معرفی اسناد خطبه در منابع متقدم

پیش از معرفی اسناد، لازم است که تنوع منابع خطبه متقین دانسته شود.

### ۲-۱. تنوع شکلی منابع خطبه متقین

روایت یا خطبه متقین، به سه شکل کلی در منابع متقدم درج شده است.

الف) منابعی که کامل یا بخش بیشتری از خطبه متقین نهج البلاغه را نقل نموده‌اند.

دسته‌ای از منابع، متن مشروح خطبه مشهور به متقین را درج نموده‌اند که به طور میانگین، هشتصد کلمه دارند. به جز برخی از این منابع، بقیه آن‌ها، تقریباً تمامی متن خطبه کنونی متقین نهج البلاغه و منابع مشابه او را دارند؛ هرچند که برخی دیگر نیز اضافات فراوانی در خود جای داده‌اند. این منابع عبارتند از: ۱. اضافات کتاب سلیم (مدل ۵)<sup>(۱)</sup>؛ ۲. التّمحیص؛ ۳. صفات الشیعه؛ ۴. کتاب الأمالی؛ ۵. تحف العقول؛ ۶. کنز الفوائد؛ ۷. روضة الواعظین؛ ۸. مکارم الاخلاق؛ ۹. التذکرة الحمدونیه؛ ۱۰. تذکرة الخواص؛ ۱۱. مطالب السؤل. این منابع که غالباً به حوزه حدیثی شام، بغداد و ایران (قم و ...) مربوط می‌شوند، از لحاظ سندی، دو دسته هستند: منابع بی‌سند، هشت عدد و منابع سنددار، سه عدد.

ب) منابعی که بخش اندکی از خطبه متقین نهج البلاغه را نقل نموده‌اند.

دسته‌ای از منابع نیز که غالباً به حوزه حدیثی بغداد مربوط می‌شوند، متن غیرمشروح خطبه را درج نموده‌اند که به طور میانگین، حدود ۱۱۰ کلمه و حداکثر ۱۷۰ کلمه دارند. از این تعداد کلمات متن این منابع، حدود هفتاد کلمه آن در خطبه کنونی هم‌ام یا متقین نهج البلاغه و منابع مشابه او وجود دارد و حدود صد کلمه آن، وجود ندارد. این منابع عبارتند از: ۱. عیون الاخبار (۲۷۶م)؛ ۲. کتاب تأویل مختلف الحدیث (۲۷۶م)؛ ۳.

کتاب الأولیاء (م ۲۸۱)؛ ۴. کتاب الهم والحزن (م ۲۸۱)؛ ۵. فقه الرضا<sup>(ع)</sup> (م ۳۲۳)؛ ۶. عقد الفرید (م ۳۲۸)؛ ۷. کافی (م ۳۲۹) ج ۲: ۱۳۱؛ ۸. المجالسة و جواهر (م ۳۳۳)؛ ۹. الفوائد و الزهد و الرقائق و المرآة؛ ۱۰. طبرانی به نقل از ابونعیم اصفهانی. این منابع از لحاظ سندی، دو دسته هستند: منابع بی سند، چهار عدد و منابع سنددار، شش عدد.

ج) منابعی که متن کاملاً متفاوتی را از خطبه همام نهج البلاغه نقل نموده‌اند.

خطبه همام در برخی منابع که دارای اسناد هستند و به حوزه حدیثی شام، بغداد و ایران (قم و ری) مربوط می‌شوند، کاملاً متفاوت از نهج البلاغه است و به صورت میانگین حدود ۶۳۵ کلمه می‌باشد که عبارتند از: ۱. کافی (م ۳۲۹) نقل دوم ج ۲: ۲۲۶؛ ۲. تاریخ دمشق (م ۵۷۱ ه.ق). در تاریخ دمشق حدود ۵۱۰ کلمه آمده است که تقریباً هیچ اشتراکی با خطبه متقین نهج البلاغه ندارد. در روایت متن کافی، حدود ۷۶۰ کلمه وجود دارد که تنها حدود ۱۹۰ کلمه آن در بخش ششم و هفتم خطبه، با نهج البلاغه و منابع مشابه آن، هماهنگ است. (استادی، ۱۴۰۱).

## ۲-۲. اسناد خطبه متقین

با توجه به منابعی که پیش‌تر ذکر شد، اسناد متن روایت خطبه غیرمشروح و مشروح و نیز دو روایت کاملاً متفاوت، عبارتند از:

### ۲-۲-۱ و ۲-۲-۲. مجهول از علی<sup>(ع)</sup>

در کتاب عیون الاخبار و نیز کتاب تأویل مختلف الحدیث ابن قتیبة الدینوری (م ۲۷۶ ه.ق)، متن حدیث غیرمشروح بدون اسناد آمده است (دینوری، ۱۴۱۸ ه.ق: ج ۲: ۳۸۰؛ همو، ۱۴۱۹ ه.ق: ۲۵) و تنها نوشته شده: «و قال علی<sup>(ع)</sup>».

## ۲-۳. حسن بصری

در کتاب الأولیاء ابن ابی الدنیا (م ۲۸۱ هـ.ق)، روایت کوتاه و غیرمشروحی نقل شده که در اسناد آن آمده است: «حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ، ذَكَرَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، نَا عَبْدُ الْعَزِيزِ ابْنُ خَالِدِ الْأُمَوِيِّ، نَا مَسْلَمَةَ الْعَابِدِ، عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ بْنِ جَعْفَرٍ، أَنَّ الْحَسَنَ كَانَ يَقُولُ...» (ابن ابی الدنیا، ۱۴۱۳ هـ.ق: ۳۸).

## ۲-۴. حسن بصری

همچنین، در کتاب الهم والحزن ابن ابی الدنیا، همان روایت کوتاه با اسناد دیگری آمده است: «حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ حَدَّثَنِي ابُو زَكْرِيَّا الْبَلْخِيُّ، ثنا مُعْتَمِرُ بْنُ سُلَيْمَانَ، عَنِ الْفَرَاتِ بْنِ سُلَيْمَانَ: أَنَّ الْحَسَنَ بْنَ أَبِي الْحَسَنِ كَانَ يَقُولُ: ...» (ابن ابی الدنیا، ۱۴۱۲ هـ.ق: ۶۹).

## ۲-۵. مجهول از عالم

در کتاب فقه الرضا<sup>(۴)</sup> که به شلمغانی (م ۳۲۳) نیز منسوب شده است (شبیروی، ۱۳۹۹، ج ۴: ۴۹۱)، اسنادی برای روایت غیرمشروح متقین نیامده و تنها نوشته شده است: «أروى عن العالم<sup>(۵)</sup> أنه قال...» (شلمغانی، ۱۴۰۶ هـ.ق: ۳۷۰).

## ۲-۶. مجهول از ابن عباس

در کتاب العقد الفريد ابن عبدربه (م ۳۲۸ هـ.ق) نیز اسنادی برای روایت غیرمشروح خطبه متقین نیامده و تنها نوشته شده است: «سئل ابن عباس عن الخائفين لله، فقال: ...» (ابن عبدربه، بی تا، ج ۳: ۱۲۵).

۲-۷. علی بن حسین<sup>(۶)</sup>

در کافی کلینی (م ۳۲۹ هـ.ق) دو روایت آمده است: یکی از آن ها متن خطبه غیرمشروح

متقین است، بدون اینکه عنوان خطب برای آن درج شود و اسناد آن عبارت اند از:

«مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبَانَ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ<sup>(۴)</sup> قَالَ: قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ<sup>(۵)</sup> ...» (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ج ۲: ۱۳۱).

۲-۲-۸. امام صادق<sup>(ع)</sup> از علی<sup>(ع)</sup>

دومین روایت کافی که جز اندکی از آن، تفاوت بسیاری با خطبه متقین نهج البلاغه دارد، با این اسناد آمده است:

«مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ دَاهِرٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ يَحْيَى عَنْ قُتَمِ أَبِي قَتَادَةَ الْخَرَّازِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يُونُسَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ<sup>(۶)</sup> قَالَ: قَامَ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ هَمَامٌ وَكَانَ عَابِدًا نَاسِكًا مُجْتَهِدًا إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ<sup>(۷)</sup> وَهُوَ يَخْطُبُ فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ...» (همان، ج ۲: ۲۲۶).

۲-۲-۹. اَوْفَى بْنِ ذَلْهَمٍ از علی<sup>(ع)</sup> یا بدون سند (مجهول از مجهول)

در کتاب المجالسة و جواهرالعلم اثر ابوبکر الدینوری (م ۳۳۳ هـ.ق)، متن روایت غیرمشروح خطبه مشهور به متقین، با کمی مطالب اضافی در ابتدای آن و این اسناد ذکر شده است: «حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ الدِّينَوْرِيُّ، نَا أَبِي، عَنْ وَكَيْعٍ، عَنْ عَمْرِو بْنِ مُتَيْبِهِ، عَنْ اَوْفَى بْنِ ذَلْهَمٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ؛ أَنَّهُ قَالَ: تَعَلَّمُوا الْعِلْمَ تُعْرِفُوا بِهِ ... ثُمَّ قَالَ: إِنَّ الدُّنْيَا قَدْ اِرْتَحَلَتْ ...» (الدینوری المالکی، ۱۴۱۹ هـ.ق، ج ۲: ۱۴۴)؛ با توجه به متن روایت در دیگر منابع هم‌ردیف، به نظر می‌رسد که دو روایت مختلف ذیل یک سند آمده است. به این معنا که روایت دوم که پس از ثَمَّ قَالَ می‌باشد و متن خطبه متقین در آن وجود دارد، بی‌سند است.

## ۲-۲-۱۰. حسن بصری

در کتاب الفوائد و الزهد و الرقائق و المراثی اثر جعفر الخلدی (م ۳۴۸ هـ.ق) متن روایت غیر مشروح خطبه، با این اسناد ذکر شده است: «حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، ثنا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، ثنا عَبْدُ الْعَزِيزِ أَبُو خَالِدٍ الْأُمَوِيُّ، ثنا مَسْلَمَةُ الْعَابِدِ، عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ بْنِ جَعْفَرٍ، أَنَّ الْحَسَنَ، كَانَ يَقُولُ: ...» (الخلدی، ۱۴۰۹ هـ.ق: ۲۷).

## ۲-۲-۱۱. حسن بصری

در کتاب حلیة الأولیاء و طبقات الأصفیاء اثر ابونعیم اصفهانی (م ۴۳۰ هـ.ق) به نقل از سُلَیْمَانُ بْنُ أَحْمَدَ طَبْرَانِی (م ۳۶۰)، این اسناد آمده است:

«حَدَّثَنَا سُلَیْمَانُ بْنُ أَحْمَدَ، قَالَ: ثنا بِشْرُ بْنُ مُوسَى، قَالَ: ثنا مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرَانَ بْنِ أَبِي لَيْلَى، قَالَ: ثنا مَسْلَمَةُ بْنُ جَعْفَرٍ الْأَخْمَسِيُّ الْأَعْوَرُ، عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ الزِّيَادِيِّ، وَ هُوَ عَبْدُ الْحَمِيدِ بْنُ كُرْدِيدٍ عَنِ الْحَسَنِ الْبَصْرِيِّ، رَحِمَهُ اللَّهُ تَعَالَى قَالَ ...» (ابونعیم اصفهانی، بی تا، ج ۲: ۱۵۱).

۲-۲-۱۲. مجهول از علی<sup>ع</sup>

در کتاب تحف العقول ابن شعبه حرانی (م ح ۳۸۱ق) خطبه مشروح بدون سند و ذکر نام گوینده آمده است. البته در بخش سخنان حضرت امیر<sup>ع</sup> آورده شده است (حرانی، ۱۴۰۴ هـ.ق: ۱۵۹).

۲-۲-۱۳. مجهول از علی<sup>ع</sup>

در کتاب التَّمْحِیصِ منسوب به محمد بن همام الإسکافی (م ۳۳۶) یا ابن شعبه حرانی (ق ۴)، خطبه مشروح بدون اسناد و به صورت مجهول، این گونه آمده است:

«و روی آن صاحباً لأمیر المؤمنین<sup>(ع)</sup> یقال له همام و كان رجلاً عابداً، فقام إليه و قال له: یا أمیر المؤمنین...» (اسکافی، بی تا: ۷۰).

۲-۲-۱۴. سلیم بن قیس از علی<sup>(ع)</sup>

در گروه ب مدل ۵ از کتاب های منسوب به سلیم (م ۷۶ یا ۹۰ ه.ق) که دارای خطبه همام است (حدیث ۴۳، نک: سلیم، ۱۴۱۵ ه.ق، ج ۲: ۸۴۹). این سند که در واقع سند کلی نسخه های خطی سنددار کتاب های سلیم بوده، برای روایت ذکر شده است: «و عَنْ أَبَانَ بْنِ أَبِي عِيَّاشٍ عَنْ سُلَيْمٍ قَالَ: قَامَ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ<sup>(ع)</sup> يُقَالُ لَهُ هَمَّامٌ وَ كَانَ عَابِداً مُجْتَهِداً فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ...».

همچنین در کافی در عنوان «خُطْبَةُ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ<sup>(ع)</sup>»، بخش اندکی در حد دو خط از خطبه مشهور به متقین، در ضمن صفحات بسیاری از یک حدیث با مطالب متفاوت و با اسناد سلیم بن قیس آمده است:

«عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسِ الْهَلَالِيِّ قَالَ: خَطَبَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ<sup>(ع)</sup> فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ صَلَّى عَلَيَّ النَّبِيِّ<sup>(ص)</sup> ثُمَّ قَالَ أَلَا إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ خَلَّتَانِ اتِّبَاعُ الْهَوَى وَ طَوْلُ الْأَمَلِ أَمَا اتِّبَاعُ الْهَوَى فَيَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ وَ أَمَا طَوْلُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْآخِرَةَ؛ «أَلَا إِنَّ الدُّنْيَا قَدْ تَرَحَّلَتْ مُدْبِرَةً وَإِنَّ الْآخِرَةَ قَدْ تَرَحَّلَتْ مُقْبِلَةً وَ لِكُلِّ وَاحِدَةٍ بُنُونٌ فَكُونُوا مِنْ أُنْبَاءِ الْآخِرَةِ وَ لَا تَكُونُوا مِنْ أُنْبَاءِ الدُّنْيَا»... (ادامه نامرتبط دارد) (کلینی، ۱۴۰۷ ه.ق، ج ۸: ۵۸).

همین عبارت، در حدیث شماره ۱۸ کتاب سلیم به نقل از پیامبر<sup>(ص)</sup> با این اسناد آمده است: «قال سلیم بن قیس: سمعت أبا الحسن<sup>(ع)</sup> یحدثنی ویقول: إن النبی<sup>(ص)</sup> قال...» (سلیم، ۱۴۱۵ ه.ق: ۲۶۱، ح ۱۸).

۲-۲-۱۵ و ۱۶. امام محمدباقر<sup>(ع)</sup> از علی<sup>(ع)</sup>

در دو اثر شیخ صدوق (م ۳۸۱ هـ.ق)، یعنی صفات الشيعة و امالی، خطبه مشروح با این سند آمده است: «حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ حَسَّانَ الْوَاسِطِيُّ عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ الْأَهَاشِمِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ<sup>(ع)</sup> قَالَ: ...» (صدوق، ۱۳۶۲: ۱۸؛ همو، امالی، ۱۳۷۶: ۵۷۰)؛ البته در سند کتاب صفات الشيعة، پس از نام ابن ولید، نام مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ افتاده است.

۲-۲-۱۷. مجهول از علی<sup>(ع)</sup>

در کتاب نهج البلاغه سید رضی (م ۴۰۶ هـ.ق) نیز خطبه مشروح بدون سند ذکر شده و در ابتدای آن فقط آمده است: «رَوَى أَنَّ صَاحِبًا لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ<sup>(ع)</sup> يُقَالُ لَهُ هَمَّامٌ كَانَ رَجُلًا عَابِدًا فَقَالَ لَهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ...» (رضی، ۱۳۸۵: ۲۸۶، خ ۱۹۳).

۲-۲-۱۸ و ۱۹. نوف الكسائي [بکالی] از علی<sup>(ع)</sup>

در کتاب کنز الفوائد أبو الفتح الكراچکی (م ۴۴۹ هـ.ق) مشروح خطبه را با اضافاتی در ابتدا و میانه‌های آن، با دو سند زیر آورده است:

الف) «واخبرني ايضا ابو الرجا محمد بن علي بن طالب الرازي قال اخبرني ابو المفضل محمد بن عبد الله بن محمد بن المطلب الشيباني قال حدثني ابو عبد الله جعفر بن محمد بن جعفر العلوي الحسنی قال حدثنا أحمد بن محمد بن عيسى الوابشي قال حدثني عاصم بن حميد الخياط».

ب) «[و] قال ابو المفضل الشيباني و حدثنا محمد بن علي بن أحمد بن عامر البندار بالكوفة من اصل كتابه و هذا الحديث بلفظه و هو اتم سياقه قال حدثنا الحسن بن

علی بن بزیع قال حدثنا مالك بن إبراهيم عن عاصم بن حميد عن أبي حمزة الثمالي عن رجل من قومه يعني يحيى بن ام الطويل انه اخبره عن نوف الكسائي قال... (کراچکی، ۱۴۱۰هـ.ق: ۳۱).

#### ۲-۲-۲۰. مجهول از علی<sup>(ع)</sup>

در کتاب روضة الواعظین و بصيرة المتعظین اثر الفتال النیشابوری (م ۵۰۸هـ.ق) متن مشروح خطبه به صورت مجهول و بدون اسناد آمده است. با این آغاز: «وَرَوَى أَنَّ صَاحِبًا يُقَالُ لَهُ هَمَامٌ كَانَ رَجُلًا عَابِدًا فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ...» (الفتال النیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۲: ۴۳۸).

#### ۲-۲-۲۱. مجهول از علی<sup>(ع)</sup>

در مکارم الاخلاق اثر رضی الدین حسن بن فضل الطبرسی (م ح ۴۶۸ تا ۵۴۸) نیز متن مشروح خطبه به صورت مجهول و بدون اسناد آمده است. با این آغاز: «روی أن صاحباً له يقال له همام كان رجلاً عابداً، فقال له يا أمير المؤمنين...» (طبرسی، بی تا: ۴۷۵).

#### ۲-۲-۲۲. مجهول از علی<sup>(ع)</sup>

در کتاب التذكرة الحمدونية اثر ابن حمدون (م ۵۶۲) خطبه مشروح بدون نقل داستان همام در اول و آخر و نیز بدون درج سند و ذکر نام گوینده اصلی متن آمده است؛ البته در بخش سخنان حضرت امیر<sup>(ع)</sup> آورده شده و در ابتدای آن آمده است: «وله<sup>(ع)</sup> كلام يصف فيه المتقين نبه فيه على آداب، أفلح من استضاء بنورها، أوله...» (ابن حمدون، ۱۹۹۶م، ج ۱: ۹۳).

#### ۲-۲-۲۳. ذوالنون بن إبراهيم المصري

در کتاب تاریخ دمشق اثر ابن عساکر (م ۵۷۱هـ.ق) متنی آمده که تقریباً همانند روایت

دوم کافی از خطبه همام است و هر دو، تفاوت بسیاری با خطبه متقین نهج البلاغه دارد. این روایت با این اسناد آمده است: «أخبرنا أبو سهل محمد بن إبراهيم أنا أبو الفضل الرازي أنا جعفر بن عبدالله نا محمد بن هارون حدثنا بعض أصحابنا نا محمد بن الحسن الهمداني قال و حدثنا عيسى بن عبدالله نا محمد بن الحسن الهمداني قال سمعت ذا النون بن إبراهيم المصري يقول ...» (ابن عساکر، ۱۴۱۵هـ.ق، ج ۱۷: ۴۱۹).

۲-۲-۲۴. ابن عباس از علی<sup>(ع)</sup>

در کتاب تَذَكِرَةُ الْخَوَاصِّ مِنَ الْأُمَّةِ فِي ذِكْرِ خَصَائِصِ الْأُمَّةِ اثر يوسف بن قزاوغلی مشهور به سبط ابن الجوزی (م ۵۹۷هـ.ق) خلاصه خطبه مشروح، بدون نقل داستان همام در اول و آخر با اسناد ناقص، این گونه آمده است: «و فی روایة مجاهد عن ابن عباس قال: سمعت أمير المؤمنين<sup>(ع)</sup> يقول ...» (سبط بن الجوزی، ۱۴۲۶هـ.ق: ۱۳۰).

۲-۲-۲۵. نوف [بکالی] از علی<sup>(ع)</sup>

در کتاب مطالب السؤول فی مناقب آل الرسول اثر محمد بن طلحة النصیبی الشافعی (م ۶۵۲) خطبه مشروح خلاصه شده با اضافاتی از داستان نوف و همام (شبيه كنز الفوائد)، بدون اسناد آمده است (نصیبی شافعی، ۱۴۱۹هـ.ق: ۱۹۵).



### ۳. شناسایی راوی اصلی خطبه متقین

با توجه به بررسی اسنادی که صورت گرفت، دو حالت در شناسایی راوی اصلی روایت یا خطبه متقین پیش روی ماست که در هر کدام از این حالت‌ها، شناسایی راوی اصلی خطبه متفاوت می‌گردد.

#### ۳-۱. حالت اول: گوینده اصلی خطبه متقین معین نباشد

اگر گوینده اصلی خطبه متقین معین و البته حضرت امیر<sup>(ع)</sup> نباشد، افراد متفاوتی می‌توانند راوی اصلی و اولیه خطبه باشند؛ به این معنا که مثلاً اگر متن روایت یا خطبه متقین از حسن بصری باشد، راوی اولیه برای سخن وی، عبدالحمید بن جعفر یا فرات بن سلیمان خواهد بود. یا مثلاً اگر متن روایت یا خطبه متقین از ابن عباس یا العالم باشد، راوی اولیه برای سخن ایشان، مجهول خواهد بود. یا اگر خطبه از علی بن حسین<sup>(ع)</sup> باشد، راوی اولیه وی، امام محمدباقر<sup>(ع)</sup> خواهد بود.

#### ۳-۲. حالت دوم: خطبه از حضرت امیر<sup>(ع)</sup> باشد

اگر گوینده اصلی متن یا خطبه را حضرت امیر<sup>(ع)</sup> بدانیم، راوی اصلی آن متن و به نوعی ناظر واقعه، این افراد می‌شوند:

۱. راوی مجهول (نک: الف. مجهول از علی<sup>(ع)</sup>: دینوری، ۱۴۱۸هـ.ق، ج ۲: ۳۸۰؛ همو، ۱۴۱۹هـ.ق: ۲۵؛ حرانی، ۱۴۰۴هـ.ق: ۱۵۹؛ اسکافی یا حرانی، بی تا: ۷۰؛ رضی، ۱۳۸۵: ۲۸۶، خ ۱۹۳؛ الفتال النیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۲: ۴۳۸؛ طبرسی، بی تا: ۴۷۵؛ ابن حمدون، ۱۹۹۶م، ج ۱: ۹۳. ب. مجهول از عالم: شلمغانی، ۱۴۰۶هـ.ق: ۳۷۰. ج. مجهول از ابن عباس: ابن عبدربه، بی تا، ج ۳: ۱۲۵).

۲. ابن عباس (سبط بن الجوزی، ۱۴۲۶هـ.ق: ۱۳۰).

۳. نوف بکالی (کراجکی، ۱۴۱۰هـ.ق: ۳۱؛ نصیبی شافعی، ۱۴۱۹هـ.ق: ۱۹۵).

۴. سلیم بن قیس (سُلیم، ۱۴۱۵هـ.ق، ج ۲: ۸۴۹).

۵. حسن بصری (ابن ابی الدنيا، ۱۴۱۳هـ.ق: ۳۸؛ ابن ابی الدنيا، ۱۴۱۲هـ.ق: ۶۹؛

الخلدی، ۱۴۰۹هـ.ق: ۲۷؛ ابونعیم اصفهانی، بی تا، ج ۲: ۱۵۱).

۶. اوفی بن دلهم (الدینوری المالکی، ۱۴۱۹هـ.ق، ج ۲: ۱۴۴). البته در صورتی که

روایت را سنددار فرض کنیم و سند موجود، از آن روایت قبلی نباشد.

۷. علی بن حسین<sup>(ع)</sup> (کلینی، ۱۴۰۷هـ.ق، ج ۲: ۱۳۱).

۸. ابی عبدالله<sup>(ع)</sup> (کلینی، ۱۴۰۷هـ.ق، ج ۲: ۲۲۶).

۹. امام محمد باقر<sup>(ع)</sup> (صدوق، ۱۳۶۲: ۱۸؛ همو، ۱۳۷۶: ۵۷۰).

۱۰. ذوالنون بن ابراهیم المصری (ابن عساکر، ۱۴۱۵هـ.ق، ج ۱۷: ۴۱۹).

### ۳-۳. تجزیه و تحلیل اختلاف نام راوی اصلی

همان طور که گفته شد، اگر گوینده اصلی متن یا خطبه را حضرت امیر<sup>(ع)</sup> بدانیم، برای تجزیه و تحلیل اختلاف نام راوی اصلی می توان گفت: راویانی که فاصله طبقه و زمانی با حضرت امیر<sup>(ع)</sup> دارند و امکان نقل مستقیم و حضور در واقعه خطبه را ندارند، با فرض افتادگی راویان، می توان آن ها را در گروه «راوی مجهول» از حضرت امیر قرار داد؛ اما افرادی که هم دوره و تقریباً هم طبقه حضرت امیر<sup>(ع)</sup> بوده اند و امکان نقل مستقیم و حضور در واقعه را دارند، عبارتند از: ۱. ابن عباس؛ ۲. نوف بکالی؛ ۳. سلیم بن قیس؛ ۴. حسن بصری؛ ۵. اوفی بن دلهم؛ ۶. راوی مجهول.

علاوه بر مسئله راوی مجهول، اگر گوینده اصلی متن روایت یا خطبه را حضرت

امیر<sup>(ع)</sup> بدانیم، نام راویان اصلی معلوم را با دو رویکرد می‌توان مرکز توجه قرار داد که بدان اشاره می‌شود.

### ۳-۱-۳. از نظر تاریخی و قدمت منابع

از نظر تاریخی و قدمت منابع، راوی اصلی متن یا خطبه متقین، به این ترتیب می‌شوند (جدول بعد را نیز ملاحظه کنید):

نیمه دوم قرن سوم و نیمه اول قرن چهارم: حسن بصری.

نیمه اول قرن چهارم: اوفی بن دلهم (بر فرض وجود سند).

نیمه اول قرن پنجم: نوف بکالی.

نیمه دوم قرن پنجم یا ششم: سلیم بن قیس.

قرن هفتم: ابن عباس.

جدول مدل‌های خطبه متقین					
گروه چهارم	گروه سوم	گروه دوم	گروه اول		
میانگین کلمات: ۶۳۵ کلمه	میانگین کلمات: ۷۱۵ کلمه	میانگین کلمات: ۹۲۰ کلمه	میانگین کلمات: ۱۲۰ کلمه		
				نیمه اول	قرن سوم
			عیون الاخبار (۲۷۶م)، کتاب تأویل (۲۷۶م)، کتاب الأولیاء (۲۸۱م)، الهم والحزن (۲۸۱م)	نیمه دوم	
کافی (۲۲۶/۲ (۳۲۹م)	تحف العقول (۴ق)	التمحیص (۲۳۶م)	فقه الرضا (۳۲۳م)، عقد الفرید (۳۲۸م)، کافی (۳۲۹م) ۱۳۱/۲، المجالسة (۳۳۳م)، کتاب الفوائد (۳۴۸م)	نیمه اول	قرن چهارم
	صفات الشیعة و الامالی (۳۸۱م)			نیمه دوم	
	نهج البلاغة (۴۰۶م)	کنز القوائد (۴۴۹م)		نیمه اول	قرن پنجم
		اضافات کتاب‌های سلیم (قرن ۵ به بعد)		نیمه دوم	
	روضه الواعظین مکارم الاخلاق (۵۰۸م)، ح ۴۶۸ تا ۵۴۸			نیمه اول	قرن ششم
تاریخ دمشق (۵۷۱ق)	التذکره حمدونیه تذکر الخواص (۵۶۲م)، (۵۹۷م)			نیمه دوم	
		مطالب السؤل (۶۵۲م)			قرن هفتم

### ۳-۲-۳. با توجه به گروه‌بندی منابع متقدم

با توجه به گروه‌بندی چهارگانه متن خطبه در منابع متقدم، راوی اصلی خطبه در این گروه‌ها به این صورت وجود دارند:

گروه اول: مجهول + حسن بصری + اوفی بن دلهم (البته در صورتی که روایت اوفی بن دلهم را سنددار فرض کنیم و سند موجود، از آن روایت قبلی نباشد).

گروه دوم: مجهول + نوف بکالی + سلیم بن قیس.

گروه سوم: مجهول + ابن عباس.

گروه چهارم: ابی‌عبدالله<sup>(ع)</sup> و نیز ذوالنون المصری است که چون هم‌طبقه با حضرت امیر<sup>(ع)</sup> نیستند، نمی‌توانند ناظر مستقیم و راوی اصلی متن یا خطبه متقین باشند.

### ۳-۳-۳. جمع‌بندی و نتیجه

با توجه به تنوع راویان در منابع، راوی اصلی متن یا خطبه متقین به سادگی قابل شناسایی نیست. نتیجه اینکه: اگر راوی مجهول را یکی از پنج نفر بالا بگیریم، ما با پنج نفر به عنوان راوی اصلی متن یا خطبه متقین روبه‌رو هستیم؛ اما اگر راوی مجهول شخصی جدای از افراد بالا باشد، ما با شش راوی اصلی برای متن یا خطبه متقین روبه‌رو هستیم.

جدای از نقل دوم کافی (ج ۲: ۲۲۶) و تاریخ دمشق که متنی بسیار متفاوت از دیگر متون منابع برای خطبه متقین است و یکی از ابی‌عبدالله از حضرت علی<sup>(ع)</sup> و نیز دیگری از محمد بن الحسن الهمدانی از ذوالنون مصری نقل شده‌اند، برای مابقی منابع پیش‌رو، مجبور هستیم بگوییم که یک متن با هسته اصلی و عبارات یکسان که لاجرم گوینده آن نمی‌تواند بیش از یک نفر باشد، توسط پنج یا شش نفر نقل مستقیم یا به عنوان راوی ناظر، نسخه‌برداری و ارائه شده است. نتیجه اینکه، جز یک نفر،

سایر راویان اصلی متن، جعلی یا نادرست هستند. در این وضعیت، اگر همه این پنج و شش نفر از نظر رجالی معتبر و قابل اعتماد باشند، تأثیری در اعتبار متن خطبه یا روایت موجود ندارد؛ اما اگر این چنین نباشند، تعیین راوی اصلی خطبه و روایت برای اعتبارسنجی خطبه، حائز اهمیت خواهد شد.

#### ۴. گوینده اصلی خطبه متقین

پس از بررسی وضعیت راوی اصلی خطبه، اکنون با توجه به اسناد خطبه که پیش تر گذشت، می توان درباره گوینده اصلی خطبه نیز تأملاتی را ارائه نمود.

##### ۴-۱. وضعیت انتساب خطبه متقین

با توجه به اسناد خطبه در منابع متقدم و نیز متن منابع متقدمی که روایت یا خطبه مشهور به متقین در آن ها آمده است (استادی، ۱۴۰۱)، صاحب کلام متن روایت یا خطبه متقین، به شش نفر منتهی و منتسب می شود:

۱. علی<sup>(ع)</sup> (دینوری، ۱۴۱۸ هـ.ق، ج ۲، ۳۸۰؛ همو، ۱۴۱۹ هـ.ق: ۲۵؛ کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ج ۲: ۲۲۶؛ الدینوری المالکی، ۱۴۱۹ هـ.ق، ج ۲: ۱۴۴ (بر فرض وجود سند)؛ حرانی، ۱۴۰۴ هـ.ق: ۱۵۹؛ اسکافی، بی تا: ۷۰؛ سلیم، ۱۴۱۵ هـ.ق، ج ۲: ۸۴۹؛ صدوق، ۱۳۶۲: ۱۸؛ همو، امالی، ۱۳۷۶: ۵۷۰)؛ رضی، ۱۳۸۵: ۲۸۶، خ ۱۹۳؛ کراچکی، ۱۴۱۰ هـ.ق: ۳۱؛ الفئال النیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۲: ۴۳۸؛ طبرسی، بی تا: ۴۷۵؛ ابن حمدون، ۱۹۹۶ م، ج ۱: ۹۳؛ سبط بن الجوزی، ۱۴۲۶ هـ.ق: ۱۳۰؛ نصیبی شافعی، ۱۴۱۹ هـ.ق: ۱۹۵).

۲. حسن بصری (ابن ابی الدنيا، ۱۴۱۳ هـ.ق: ۳۸؛ ابن ابی الدنيا، ۱۴۱۲ هـ.ق: ۶۹؛ الخلدی، ۱۴۰۹ هـ.ق: ۲۷؛ ابونعیم اصفهانی، بی تا، ج ۲: ۱۵۱).

۳. عالم (سلمغانی، ۱۴۰۶ هـ.ق: ۳۷۰).

۴. ابن عباس (ابن عبدربه، بی تا، ج ۳: ۱۲۵).

۵. علی بن حسین<sup>(ع)</sup> (کلینی، ۱۴۰۷هـ.ق، ج ۲: ۱۳۱).

۶. ذوالنون بن ابراهیم المصری (ابن عساکر، ۱۴۱۵هـ.ق، ج ۱۷: ۴۱۹).

#### ۴-۲. تجزیه و تحلیل اختلاف انتساب

با توجه به تعدد صاحب متن، بررسی این نام را با دو رویکرد می توان مورد توجه قرار دارد (جدول قبل را ملاحظه کنید):

#### ۴-۲-۱. از نظر تاریخی و قدمت منابع

صاحب کلام متن یا خطبه متقین از نظر تاریخی و قدمت منابع، به این ترتیب می باشد:

الف) در نیمه دوم قرن سوم و نیمه اول قرن چهارم، این متن به پنج نفر منتسب شده است: علی<sup>(ع)</sup> + حسن بصری + عالم + ابن عباس + علی بن حسین<sup>(ع)</sup>.

ب) از نیمه اول قرن چهارم به بعد، دو نفر: حضرت علی<sup>(ع)</sup> + ذوالنون المصری.

#### ۴-۲-۲. با توجه به گروه بندی منابع متقدم

با توجه به متن روایت و خطبه همام در منابع و برخی اختلافات و اضافات یا افتادگی های موجود در متن منابع، می توان کتاب ها و منابع مشابه را در چهار گروه دسته بندی نمود: ۱. گروه منابع سنددار با روایت های غیرمشروح و متقدم تر؛ ۲ و ۳. گروه منابع با خطبه مشروح (یک و دو) که غالباً بی سند و با راوی مجهول هستند؛ ۴. گروه منابع سنددار با متن کاملاً متفاوت از خطبه همام نهج البلاغه (استادی، ۱۴۰۱).

صاحب کلام متن روایت یا خطبه متقین با توجه به گروه بندی چهارگانه آنها در منابع متقدم، به این صورت بیان شده است: گروه اول: علی<sup>(ع)</sup> + حسن بصری + عالم + ابن عباس + علی بن حسین<sup>(ع)</sup>. گروه دوم: علی<sup>(ع)</sup>. گروه سوم: علی<sup>(ع)</sup>. گروه چهارم: علی<sup>(ع)</sup> + ذوالنون المصری.

## ۴-۳. جمع بندی و نتیجه

## ۴-۳-۱. راه‌های پیش رو در جمع بندی اسناد گوینده خطبه

گوینده اصلی متن یا خطبه متقین از طریق اسناد منابع متقدم، به سادگی قابل شناسایی نیست؛ بنابراین چند راه می‌توان پیش گرفت:

الف) متن را کلاً مخدوش بدانیم و هیچ انتسابی را نپذیریم: چون انتساب متن به افراد مختلف وجود دارد، احتیاط کنیم و اساساً متن را مخدوش بدانیم و خود را برای استدلال جهت انتساب به شخص خاصی به زحمت نیندازیم.

ب) یکی از انتسابات را به دلایل و شواهدی بپذیریم: ما می‌توانیم با توجه به برخی از شواهد یکی از انتساب‌ها را بپذیریم؛ مثلاً بگوییم چون حضرت امیر<sup>(ع)</sup> متقدم از همه هستند، گوینده علی<sup>(ع)</sup> است و متن را از حضرت امیر<sup>(ع)</sup> بدانیم و بگوییم که افراد دیگر، متن را از وی نقل نموده‌اند و نام گوینده یا راویان میانی، در نسخه‌های خطی افتادگی دارد. یا مثلاً بگوییم چون محتوای متن با آموزه‌های صوفیانه هماهنگ است، گوینده متن نیز حسن بصری است و متن را از وی بدانیم و بگوییم: متن به اشتباه بر حضرت امیر<sup>(ع)</sup> یا دیگران منتسب شده است.

ج) فرازهای متن خطبه را تفکیک و انتساب هر بخش را مجزا بررسی نماییم: صرف نظر از روایت دوم کافی و نیز تاریخ دمشق که اختلاف فاحشی با تمامی منابع خطبه متقین دارد و با توجه به این نکته مهم که متن کنونی خطبه نهج البلاغه تا قرن چهارم در منبعی پیش روی ما قرار ندارد و اولین منبع، کتاب التمحیص یا مشابه آن است، به نظر می‌رسد که مناسب است ما به دو متن روایت قائل شویم. به عبارت ساده، متن مختصر اصلی روایت که در منابع قرن سوم آمده و متن مشروح همان روایت که در منابع قرن چهارم به بعد آمده است؛ با این وضعیت، می‌توانیم دو انتساب را برای دو متن

مشروح و غیرمشروح مطرح کنیم و بپرسیم: ۱. گوینده متن اصلی روایت کوتاه که در منابع قرن سوم آمده است، کیست؟ ۲. گوینده متن مشروح روایت که از آن به خطبه موجود در نهج البلاغه یاد می‌شود و در منابع مشابه از قرن چهارم به بعد آمده است، کیست؟

#### ۴-۳-۲. جمع‌بندی تفکیکی اسناد منابع

اگر جدول اسناد روایات منابع را که پیش‌تر آمد، ساده کنیم و اسناد تکراری و منابع بدون سند متقدم‌تر را از جدول این اسناد حذف کنیم، به جدول جدید پیش رو می‌رسیم که حاوی دو نکته اساسی است:

**الف)** در منابع متقدم‌تر که متن غیرمشروح روایت متقین آمده است، همه اسناد منتهی به حسن بصری می‌شوند، جز دو سند که یکی سند کافی است و گوینده روایت را امام سجاده<sup>(ع)</sup> می‌داند (کلینی، ۱۴۰۷ه.ق، ج ۲: ۱۳۱) و دیگری، سند کتاب المجالسة ابوبکر دینوری است.

متن روایت کتاب المجالسة در واقع دو روایت پشت سر هم است که سند روایت دوم جا افتاده و این تصور را ایجاد کرده که روایت خطبه متقین در ادامه متن روایت قبلی و با همان سند روایت قبلی است. متن روایت پیش از متن خطبه متقین در کتاب المجالسة، در منابع متعددی به صورت مستقل و بدون ادامه متن روایت متقین آمده است (وکیع، ۱۴۰۴ه.ق: ۵۳۱؛ أحمد بن حنبل، ۱۴۲۰ه.ق: ۱۰۷) که نشان می‌دهد این متن، خود روایت مستقلی بوده با اسناد اوفی بن دلهم از حضرت امیر<sup>(ع)</sup> که حتی در برخی منابع، از پیامبر<sup>(ص)</sup> ذکر شده است (الصالحی الشامی، بی‌تا، ج ۱۱: ۳۰۴). بنابراین، جز سند کافی که خطبه متقین را از امام سجاده<sup>(ع)</sup> دانسته است، تمامی منابع متقدم‌تر که متن غیرمشروح خطبه را دارند، گوینده متن متقین را حسن بصری درج نموده‌اند.

**ب.** اسناد منابع مشروح خطبه، جز سه مورد، همگی مجهول نقل شده‌اند و حذف سند گشته‌اند.



## ۵. برخی اطلاعات و احتمالات پیش رو برای کشف گوینده خطبه

علاوه بر جمع بندی اسناد که گذشت، اگر فرض باشد که اسناد خطبه متقین نمی توانند صددرصد ما را در کشف گوینده خطبه یاری نماید، اکنون لازم است برای کشف نام گوینده خطبه، به بررسی محتوای متن خطبه در دو شکل مشروح و غیرمشروح آن پردازیم؛ اما پیش از آن، بهتر است در برخی اطلاعات و احتمالات پیش رو برای کشف گوینده خطبه تأمل نماییم تا با توجه به آن‌ها، بهتر بتوانیم محتوای خطبه را بررسی کنیم.

### ۵-۱. نکاتی مهم پیرامون متن خطبه مشهور به متقین

چند نکته درباره متن و اسناد خطبه درخور توجه است:

#### ۵-۱-۱. متن مشروح خطبه در منابع نخستین نیست

با توجه به نبود خطبه همام در مدل‌های قدیمی کتاب‌های سلیم بن قیس (استادی، ۱۴۰۱: ۱۰) و نیز مخدوش بودن قدمت تاریخی نسخه‌های کتاب‌های سلیم (استادی، ۱۴۰۰: ب)، اولین منابعی که متن مشروح خطبه متقین را درج نموده‌اند، کتاب‌های نیمه دوم قرن چهارم، همانند التمهیص و تحف العقول هستند.

#### ۵-۱-۲. متن روایت غیرمشروح خطبه همام، بریده نیست

با توجه به منابع متقدم و تطبیق متن آن‌ها، توجه به این نکته ضروری است که متن روایت غیرمشروح در منابع قدیمی‌تر، بریده‌ای از یک قسمت مشروح خطبه همام نیست (استادی، ۱۴۰۱: ۱۰)؛ بلکه آن متن روایت غیرمشروح، دارای سه بخش است که متن مشروح نسبت به آن، اضافاتی تقریباً شرحی دارد. به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد متن مفصل خطبه متقین، شرح متن روایت کوتاه نخستین است.

### ۵-۳. انتساب روایت خطبه به حسن بصری و ذوالنون مصری

با توجه به اسناد روایت و خطبه متقین در منابع مختلف با راویانی از صوفیه، روشن شده است که در منابع نخستین، متن این روایت به حسن بصری منتسب بوده و تنها در یک منبع، روایت به امام سجاد<sup>(ع)</sup> منتسب شده است (کلینی، ۱۴۰۷ ه.ق، ج ۲: ۱۳۱). علاوه بر این، در روایت دوم کافی (همان، ج ۲: ۲۲۶) که مشابه روایت کتاب تاریخ دمشق است (ابن عساکر، ۱۴۱۵ ه.ق، ج ۱۷: ۴۱۹)، متن خطبه تاریخ دمشق با اسنادی از راویان صوفیه، به ذوالنون مصری منتسب گشته است که بخش‌هایی از این روایت، در متون دیگر منسوب به صوفیه نیز یافت می‌شوند.

### ۵-۲. مجلس‌گویی صوفیان و ادبیات تعلیمی آن‌ها

مجلس‌گویی یکی از سنت‌های دیرین در میان صوفیان و نوعی خطابه منبری بوده است که موعظه را با لطایف‌گویی‌های صوفیانه در هم می‌آمیخته و از طرق تعلیمی متصوفه به شمار می‌آید که بعضی از مشایخ صوفیه، به آن معروف بوده‌اند. موضوع مجالس، غالباً وعظ و تذکیر است که سخنان را بیان هنجارهای اخلاقی و نشان دادن ناهنجاری‌ها برای اصلاح اندیشه و رفتار جامعه گام برمی‌داشته است. مجالس وعظی صوفیه به دو شکل عام (منبری) و خاص (خانقاهی) تشکیل می‌یافته و هر یک شرایط و آداب ویژه‌ای داشته که مجلس‌گویی خاص آن، همراه با بلاغت ادبی بوده است (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۳۹).

سخن‌گفتن مشایخ در مجالس صوفیان، به صورت ارتجالی بوده است؛ یعنی مشایخ معمولاً از قبل موضوعی را در نظر نمی‌گرفتند و موضوع سخنرانی به ذهن ایشان خطور می‌کرده و در مورد آن به صحبت و موعظه می‌پرداختند. گوینده درباره موضوعی، مطالبی را از قرآن و احادیث و دریافت‌های خود تلفیق و برای حاضران بیان می‌کرده است و لازم بوده که وی از علوم اسلامی آگاه باشد؛ به خصوص، تفسیر و حدیث را نیکو بداند و از

ادبیات و طرز بیان مقصود، به خوبی مطلع باشد (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۴۵ و ۴۷).

در این گونه مجالس، مذکر، متکلم وحده نبود و ممکن بوده در گرماگرم وعظ، کسی از مستمعان به پا ایستد و سؤالی کند و مجلس شیخ را دچار وقفه کند و مجلس‌گو درصدد پاسخ وی برآید (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۴۶) و اگر واعظ، صاحب بیانی جذاب و زهدی و ورعی کامل بود، گاه چنان شور و شوق و نیز پیشیمانی و حسرت بر شنوندگان چیره می‌شد که کار ایشان به گریه، ندبه، توبه و انابت می‌کشید (محمد بن منور، ۱۳۶۶: ۴۵؛ صفا، ۱۳۱۵: ۱۰۳۹). بسیاری از تعالیم مشایخ صوفیه از طریق همین مجلس‌گویی‌ها به مریدان منتقل می‌شد. مریدان معمولاً از این مجالس یادداشت برمی‌داشتند و پاره‌ای از آن‌ها را می‌توان در لابه‌لای آثار آثاری که مریدان درباره‌ی مشایخ خود نوشته‌اند، یافت. در مورد مجالس بعضی از مشایخ نیز آثار مستقلی در دست است (پورجوادی، ۱۳۸۰: ۵۳). به عبارت دیگر دیگر، مجالس وعظ صوفیانه در آغاز، صرف مجالس وعظ نبوده است و به‌گونه‌ای آن را با مجالس حدیث و املا به هم آمیخته می‌یابیم؛ یعنی در این مجالس، اغلب از مسائل تصوف و اصول و آداب و معارف آن، دقایق، لطایف و تأویلات قرآنی و حدیثی، توحید و تحقیق و مسائلی از این دست سخن می‌رفت و در لابه‌لای آن از وعظ و تذکیر نیز مباحثی به میان می‌آمد؛ به نحوی که مجلس وعظ را نمی‌توانیم به درستی از مجلس علم و حدیث و املا، بازشناسیم (سلیمانی، ۱۳۷۸: ۶۷ و ۶۸).

حسن بصری (م ۱۱۰هـ.ق) نیز از این واعظان صوفی مشرب به شمار می‌رفت که حدیث از او نیز بسیار است. هرچند که مواعظ این دست واعظان متقدم، به‌طور منسجم در دسترس نیست و مواعظ ایشان در اثنای ظهور تألیفات صوفیان بعدی، ذکر یا جمع‌آوری شده است. حسن بصری از کسانی است که رسماً در زوای صوفیه نبوده است، اما در سیر تطور تصوف، نقش اساسی داشته و خطبه‌ها، قصه‌ها و مواعظ زاهدانه‌ی وی در گرایش جامعه اسلامی به سمت تصوف، بسیار مؤثر بوده است.

اهمیت مواعظ وی به حدی است که اکثر کتاب‌های مشهور بعد از او، آن‌ها را نقل کرده‌اند که از جمله آن‌ها، کتاب‌های عقد الفرید و عیون الاخبار است که متن روایت هم‌ام را نیز در بردارند و از جُنگ‌های معتبر عربی به شمار می‌آیند. همچنین بسیاری از مؤلفان صوفیه، چون ابونصر سراج و ابونعیم اصفهانی، در کتاب‌های خود به ذکر سیره او پرداخته‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۵۰).

### ۳-۵. برخی از احتمالات پیش روی ما برای گوینده خطبه

با توجه به مطالبی که از ابتدا تا کنون گذشت، چند احتمال و فرضیه برای اظهار نظر درباره نام گوینده اصلی روایت یا خطبه متقین، پیش روی ماست که به نسبت این فرضیه‌ها، لازم است دلایل و شواهدی مطرح گردد: ۱. متن روایت غیرمشروح و مشروح، هر دو از حضرت امیر<sup>(ع)</sup> هستند. ۲. متن روایت غیرمشروح از حضرت امیر<sup>(ع)</sup> است؛ ولی اضافات تشریحی آن که در منابع نیمه دوم قرن چهارم به بعد آمده، از دیگران است. مثلاً، روایت کوتاه در منابع متقدم، از حضرت امیر<sup>(ع)</sup> و توسط حسن بصری نقل شده و این نقل، توسط مشایخ صوفیه بعدی بغداد یا شام، شرح شده است. سپس توسط شیعیان یا غلات منطقه شام همانند ابن شعبه، متن ابتدایی و شرح مخلوط در آن، به عنوان یک متن واحد و به صورت خطبه حضرت امیر<sup>(ع)</sup>، ثبت گشته و از منابع مرسل شامی، دوباره به منابع بغداد و ایران راه یافته است. در این میان و در قرون بعد، برای برخی اندک از این منابع جدید، سندسازی سهوی یا عمدی واقع شده است. ۳. متن روایت غیرمشروح و مشروح، هر دو از دیگران هستند.

### ۶. شواهدی به سود فرضیه تراث صوفیه

برای کشف درستی انتساب گوینده اصلی دو متن مشروح و غیرمشروح و درستی بعضی فرضیه‌ها، برخی از شواهد سندی و متنی می‌تواند تعیین فرضیه‌های انتساب

را پشتیبانی نماید که برخی از آن‌ها عبارتند از:

### ۶-۱. همام، هویت تاریخی در جایگاه صحابی امام علی<sup>(ع)</sup> ندارد

در اکثر منابع معاصر و متأخر، خطبه متقین به خطبه همام نیز مشهور است. علت آن، وجود شخصی به نام همام و داستان وی به عنوان «سبب ورود» متن خطبه بوده که در آن، مخاطب کلام حضرت امیر<sup>(ع)</sup>، شخصی به نام همام دانسته شده است. بنابراین، بررسی هویت همام می‌تواند ما را در کشف هویت گوینده متن خطبه نیز یاری کند.

هویت همام در متن روایت و خطبه مشخص نیست. ترجمه و شرح حال زندگی تاریخی همام و وقوع داستان خطبه برای وی نیز در منابع تاریخی و سیره حضرت امیر<sup>(ع)</sup> نیامده است. هرچند که عده‌ای برای هویت وی، گمان‌هایی برده‌اند: برخی همام را در این خطبه «همام بن عباد بن خیشم» (کراجکی، ۱۴۱۰ه.ق: ۳۱) و برخی دیگر آن را «همام بن شریح بن یزید بن عمر» دانسته‌اند (ابن ابی الحدید، بی تا، ج ۱۰: ۱۳۳؛ بحرانی، ۱۳۷۰، ج ۳: ۷۵۲).

این حدس و گمان‌ها، بدون شواهد تاریخی از دوران زندگی این همام‌ها و نیز ترجمه و سیره حضرت امیر<sup>(ع)</sup>، بی‌فایده است. توجه به این نکته بسیار مهم است که شخصی به نام همام و از اصحاب ایشان در حضور امیر مؤمنان<sup>(ع)</sup> و اصحاب مرده است؛ اما هیچ گزارشی از این واقعه در تاریخ به جز همین خطبه، وجود ندارد. از سوی دیگر، وقوع این واقعه برای زندگی همام بن عباد و نیز همام بن شریح نیز درج و ثبت نشده است؛ بنابراین، چون نسب همام در خطبه مشخص نیست، ممکن است که برخی نیز وی را «همام بن یحیی»، شاگرد حسن بصری بدانند که از شنیدن شرح کلام حسن بی‌هوش و مرده است. این روایت واقعه مرگ را برخی از سران صوفیه، همانند جعفر خلدی، نقل نموده‌اند.

## ۶-۲. نوع وجود داستان همام در منابع و تنوع شکلی آن

ابتدا باید دانست که در سیزده منبع از ۲۳ منبع تا قرن هفتم، متن روایت یا خطبه متقین، بدون درج داستان همام آمده است که این منابع عبارتند از: ۱ و ۲. عیون الاخبار و کتاب تأویل (۲۷۶م)؛ ۳ و ۴. الهم و الحزن و کتاب الأولیاء (۲۸۱م)؛ ۵. فقه الرضا (۳۲۳م)؛ ۶. عقد الفرید (۳۲۸م)؛ ۷. کافی (۳۲۹م) ج ۲: ۱۳۱؛ ۸. المجالسة و جواهر (۳۳۳م)؛ ۹. کتاب الفوائد (۳۴۸م)؛ ۱۰. تحف العقول (ق ۴)؛ ۱۱. التذکره حمدونیه (۵۶۲م)؛ ۱۲. تذکره الخواص (۵۹۷م)؛ ۱۳. تاریخ دمشق (۵۷۱م).

وجود داستان همام و تنوع شکلی آن نیز می‌تواند ما را در بررسی هویت گوینده متن خطبه راهنمایی کند. در این باره، لازم است توجه کنیم که داستان همام را در دو بخش می‌توان مرکز توجه قرار داد: یک) بررسی داستان همام در گروه چهار یعنی روایت دوم کافی و روایت تاریخ دمشق که شامل دو روایت متفاوت خطبه متقین از خطبه نهج البلاغه است. در این گروه، یکی داستان همام را دارد و دیگری ندارد. دو) بررسی داستان همام در گروه‌های ۱، ۲ و ۳، مشابه نهج البلاغه؛ یعنی روایات غیرمشروح و مشروح از خطبه متقین همسان با نهج البلاغه. در مجموع، وضعیت داستان و مخاطب خطبه در منابع متقدم را در چند دسته می‌توان برشمرد و تمایز قائل شد.

### ۶-۲-۱. داستان همام در جنگ صفین

علاوه بر روایت دوم کتاب کافی (ج ۲: ۲۲۶) که متن آن بسیار متفاوت از تمام منابع است و تنها بخش اندکی از متن انتهایی خطبه متقین را که شامل داستان همام نیز می‌شود، در بر دارد، ظاهراً این بخش، در نسخه برداری‌های کافی به متن روایت افزوده شده است. اولین منبع غیرمستقیمی که شامل داستان همام است، نقل طبرانی در کتاب الصواعق المحرقة اثر ابن حجر هیتمی (م ۹۷۴ه.ق) بوده که در آن آمده است:

«أَنْ عَلِيًّا أُنِي يَوْمَ الْبُصْرَةِ بَدَّهَبَ وَ فِضَّةَ فَقَالَ أبيضى واصفرى غرى غَيْرِي غرى أهل النَّسَامِ  
عَدَا إِذَا ظَهَرُوا عَلَيَّكَ فَشَقَّ قَوْلُهُ ذَلِكَ عَلَى النَّاسِ فَذَكَرَ ذَلِكَ لَهُ فَأَذِنَ فِي النَّاسِ فَدَخَلُوا  
عَلَيْهِ فَقَالَ إِنْ خَلِيلِي (ص) قَالَ يَا عَلِيُّ إِنَّكَ سَتَقْدَمُ عَلَى اللَّهِ وَ شِيعَتِكَ رَاضِينَ مَرْضِيينَ وَ  
يَقْدَمُ عَلَيْهِ عَدُوُّكَ غَضَابًا مَقْمَحِينَ. ثُمَّ جَمَعَ عَلِيُّ يَدَهُ إِلَى عُنُقِهِ يُرِيهِمُ الْإِقْمَاحَ ... (متن  
خطبه) ... أَوْلَيْكَ شِيعَتِنَا وَ أَحْبَبْنَا وَ مَنَا وَ مَعَنَا أَلَا هُوَ لَاءِ شَوْقًا إِلَيْهِمْ فَصَاحَ بَعْضُ مَنْ مَعَهُ وَ  
هُوَ هَمَامُ بْنُ عَبَادِ بْنِ حَيْثَمَ وَ كَانَ مِنَ الْمُتَعَبِدِينَ صَيْحَةً فَوَقَعَ مَغْشِيًا عَلَيْهِ فَحَرَكُوهُ فَإِذَا هُوَ  
فَارِقُ الدُّنْيَا فَعَسَلَ وَ صَلَّى عَلَيْهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ مِنْ مَعَهُ» (هيتمی، ۱۴۱۷ هـ.ق، ج ۲: ۴۴۹).

#### ۶-۲-۲. داستان رایج همام در منابع با متن کم و مختصر

کتاب التمحيص داستان همام را به صورت کمی مختصر نسبت به منابع دیگر دارد.  
با این عبارات:

بخش اول: فقام إليه و قال له يا أمير المؤمنين صف لي المتقين كأني أنظر إليهم فتناقل<sup>(ع)</sup>  
عن جوابه ثم قال يا همام اتق الله و أحسن فإن الله مع الذين اتقوا و الذين هم محسنون فلم  
يقنع همام بذلك القول حتى عزم عليه فقال له أسألك بالذي أكرمك و خصك و حباك  
و فضلك بما آتاك لما وصفتهم لي فقام أمير المؤمنين فحمد الله ... بخش آخر: قال فصعق  
همام صعقة كانت نفسه فيها فقال أمير المؤمنين: أما و الله لقد كنت أخافه عليه ثم قال  
هكذا تصنع المواعظ البالغة بأهلها (اسكافي یا حرانی، بی تا: ۷۰).

#### ۶-۲-۳. داستان رایج همام در منابع با متن متوسط

همان متن داستان التمحيص با اضافاتی در بخش دوم:

«قَالَ فَصَعِقَ هَمَامٌ صَعْقَةً كَانَتْ نَفْسُهُ فِيهَا فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) 'أَمَا وَ اللَّهُ لَقَدْ كُنْتُ  
أَخَافُهَا عَلَيْهِ وَ أَمْرَ بِهِ فَجُهِزَ وَ صَلَّى عَلَيْهِ وَ قَالَ هَكَذَا تَصْنَعُ الْمَوَاعِظُ الْبَالِغَةُ بِأَهْلِهَا  
فَقَالَ قَائِلٌ فَمَا بَالُكَ أَنْتَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ (ع) 'وَيْلَكَ إِنْ لِكُلِّ أَجْلًا لَنْ يَعْدُوهُ وَ سَبَبًا

لَا يُجَاوِزُهُ فَمَهْلًا لَا تَعُدُّ فَأَتَمَّا نَفَثَ عَلَى لِسَانِكَ الشَّيْطَانُ». در بیشتر منابعی که متن مشروح خطبه را در خود دارند، آمده است. همانند اضافات کتاب سلیم (قرن ۴ یا ۵)؛ الامالی صدوق و صفات الشيعة (م ۳۸۱)؛ نهج البلاغه (م ۴۰۶)؛ روضة الواعظین (م ۵۰۸)؛ مکارم الاخلاق (قرن ۶).

#### ۴-۲-۶. داستان همام با متن بیشتر و برخی جزئیات دیگر

در یک منبع از منابع تا قرن شش، داستان همام با جزئیات بیشتری درج شده است:

«اخبره عن نوف الكسائي قال عرضت لى الى أمير المؤمنين على بن أبى طالب<sup>(ع)</sup> حاجة فاستبعتت إليه جندب بن زهير و الربيع بن خثيم و ابن اخته همام بن عبادة بن خيثم و كان من اصحاب البرانس فاقبلنا معتمدين لقاء أمير المؤمنين<sup>(ع)</sup> فالفيناه حين خرج يوم المسجد فافضى و نحن معه الى نفر متدينين قد افاضوا فى الحدوثات تفكها و بعضهم يلهى بعضا فلما اشرف لهم أمير المؤمنين<sup>(ع)</sup> اسرعوا إليه قياما فسلموا ورد التحية ثم قال من القوم فقالوا اناس من شيعتك يا امير المؤمنين فقال لهم خيرا ثم قال يا هؤلاء ما لى لارى فيكم سيمة شيعتنا و حلية احببنا أهل البيت فامسك القوم حياء قال نوف فاقبل عليه جندب و الربيع فقالا ما سمة شيعتكم و صفتهم يا أمير المؤمنين فتثاقل عن جوابهما فقال اتقيا الله ايها الرجلان و احسنا فان الله مع الذين اتقوا و الذين هم محسنون فقال همام بن عبادة و كان عابدا مجتهدا اسالك بالذى اكرمكم أهل البيت و خصكم و حباكم و فضلكم تفضيلا إلا انباتنا بصفة شيعتكم فقال لا تقسم فسانبكم جميعا و اخذ بيد همام فدخل المسجد فسبح ركعتين و اوجزهما و اكملهما ثم جلس و اقبل علينا و حف القوم به فحمد الله... ثم وضع امير المؤمنين<sup>(ع)</sup> يده على منكب همام بن عبادة فقال إلا من سئل من شيعة أهل البيت الذين... فصاح همام بن عبادة صيحة وقع مغشيا عليه فحركه فإذا هو قد فارق الدنيا رحمة الله عليه فاستعبر الربيع باكيا و قال لاسرع ما اودت موعظتك

یا امیرالمؤمنین یا بن اخی ولوددت انی بمکانه فقال امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> هکذا تصنع المواعظ البالغة باهلها أما والله لقد كنت اخافها عليه فقال له قائل فما بالك انت يا امیرالمؤمنین فقال ويحك ان لكل واحد اجلا لا يعدوه و سببا لن يتجاوزه فلا تعد بها فانما يعبثها على لسانك الشيطان قال فصلی علیه امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> عشية ذلك اليوم و شهد جنازته و نحن معه قال الراوی عن نوف فصرت الى الربیع بن خيثم فذكرت له ما حدثنی نوف فبکی الربیع حتى كادت نفسه ان تقبض و قال صدق اخی لا جرم ان موعظة امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> و كلامه ذلك منی بمرء و مسمع ما ذكرت ما كان من همام بن عبادة يومئذ و اتانی هنيئة الاكدرها و لاشدة الإفرجها» (کراچکی، ۱۴۱۰هـ.ق: ۳۰-۳۴).

مختصر همین داستان در کتاب مطالب السؤل (۶۵۲م)، ظاهراً با استفاده از همین کنزالفوائد آمده است (نصیبی شافعی، ۱۴۱۹هـ.ق: ۱۹۵). همچنین با توجه به عبارت «ثُمَّ وَقَعَ مَعْشِيًا عَلَيْهِ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ<sup>(ع)</sup> أَمَا وَاللَّهِ لَقَدْ» در بخش آخر روایت دوم کافی (کلینی، ۱۴۰۷هـ.ق، ج ۲: ۲۲۶) که گفته شد با تمامی منابع متفاوت است. به نظر می‌رسد این بخش اضافی در همین روایت، از منبعی همانند کنزالفوائد یا منابع مشابه آن، برداشته و به نسخه کافی افزوده شده است.

#### ۵-۲-۶. جمع بندی

نتیجه اینکه، داستان همام در منابع متقدم‌تر وجود ندارد. همچنین این داستان پس از پیدایش در منابع بعدی، در مراحل فریه شده و گسترش یافته است؛ از سوی دیگر، چون این داستان و نیز شخص همام در منابع نخستین شناخته شده نیست، به نظر می‌رسد که به متن روایت اولیه، افزوده شده است. هرچند که ممکن است داستان همام، داستانی واقعی باشد که در متن مشروح خطبه متقین و در مجلسی متأخر از دوران حضرت امیر<sup>(ع)</sup> و در فضای مجالس درسی حدیثی یا «مجلس‌گویی» صوفیانه که مشایخ صوفیه به شرح روایت مختصر آن پرداخته‌اند، رخ داده باشد.

### ۳-۶. نوع داستان همام، کلیدواژه داستان‌های صوفیه است

در روایات و آثار صوفیان و عارفان اسلامی، داستان‌ها و حکایات متعددی یافت می‌شود که در آن، شخصی با شنیدن سخن و گفتاری از بزرگان صوفیه و مانند آن، از خود بی‌خود گشته و بی‌هوش شده یا جان داده است. همانند روایتی از ذوالنون مصری (م ۲۴۶هـ.ق) که ابونعیم اصفهانی (م ۴۳۰هـ.ق) در کتاب حلیة الأولیاء و طبقات الأصفیاء نقل کرده و در انتهای روایت آمده است: «... فَصَاحَ الشَّابُّ صَیْحَةً ثُمَّ خَرَّ مَعْشِيًّا عَلَيْهِ فَحَرَكْنَاهُ فَإِذَا هُوَ قَدْ فَارَقَ الدُّنْيَا فَانْكَبَّ الشَّيْخُ يُقْبِلُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَيَبْكِي وَيَقُولُ: هَذَا مَصْرَعُ الْخَائِفِينَ وَ هَذِهِ دَرَجَةُ الْمُجْتَهِدِينَ، وَ هَذِهِ مَنَازِلُ الْمُتَّقِينَ» (ابونعیم اصفهانی، بی‌تا، ج ۱۰: ۱۸۰).

برای نمونه این نوع داستان‌ها را در رساله قشیریه اثر عبدالکریم بن هوازن قشیری متوفی ۴۶۵هـ.ق (قشیری، ۱۳۸۳: ۶۱۰، ۶۱۵، ۶۲۱)، کشف المحجوب اثر علی بن عثمان هجویری متوفی حدود ۴۷۰هـ.ق (هجویری، ۱۳۸۳: ۵۹۸)، تذکره الاولیاء اثر عطار نیشابوری متوفی ۶۱۸هـ.ق (عطار نیشابوری، ۱۳۸۷: ۶۴۶)، کتاب التواین اثر ابن قدامة المقدسی متوفی ۶۲۰هـ.ق (مقدسی، ۱۳۸۷: ۱۷۸) و آثار متعدد دیگر صوفیه، می‌توان یافت (همچنین نک: نقشبندی، ۱۳۹۸: ۱۲۲). از دیگر سو، بسیار مهم است که این قبیل داستان‌ها در منابع حدیثی از پیامبر<sup>(ص)</sup> و امامان<sup>(ع)</sup> یافت نمی‌شود.

### ۴-۶. وجود بخش‌هایی از خطبه در روایت‌ها و داستان‌های صوفیان

علاوه بر اصل روایت متقدم خطبه متقین که به حسن بصری منسوب شده است (ابن ابی‌الدنیا، ۱۴۱۳هـ.ق: ۳۸؛ همو، ۱۴۱۲هـ.ق: ۶۹؛ الخلدی، ۱۴۰۹هـ.ق: ۲۷؛ ابونعیم اصفهانی، بی‌تا، ج ۲: ۱۵۱) و نیز جدای از بریده‌هایی از خطبه که به عنوان روایاتی از حسن بصری در منابع متقدم وجود دارند، - برای نمونه در کتاب الزهد المصنف ابن ابی‌شبیبه متوفی ۲۳۵هـ.ق آمده است: «يَحْيَى بْنُ يَمَانَ، عَنْ أَبِي الْأَشْهَبِ، عَنِ

الْحَسَنِ قَالَ: حُلَمَاءُ إِنْ جُهِّلَ عَلَيْهِمْ لَمْ يَسْفَهُوا، هَذَا نَهَارُهُمْ فَكَيْفَ لَنَا لَهُمْ، خَيْرٌ لَيْلٍ أَجْرُوا دُمُوعَهُمْ عَلَى خُدُودِهِمْ وَصَفُّوا أَقْدَامَهُمْ يَطْلُبُونَ إِلَى اللَّهِ فِي فَكَالِكَ رِقَابِهِمْ» (ابن ابی شیبیه، ۱۴۰۹ هـ.ق، ج ۷: ۱۸۹) - برخی از داستان‌های مجزایی نیز در بعضی منابع به چشم می‌خورد که حاوی بخش‌هایی از خطبه همام هستند. برای نمونه در کتاب الإبانة الکبری اثر ابن بطه العکبری متوفی ۳۸۷ هـ.ق:

«حَدَّثَنَا أَبُو حَفْصٍ عُمَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ رَجَاءٍ قَالَ: حَدَّثَنَا ابْنُ نَصْرِ عِصْمَةُ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْخَاقَانِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عُثْمَانُ بْنُ مَطَرٍ، عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ جَدَّانَ؛ أَنَّ عَبْدَ الْوَّاحِدِ بْنَ زَيْدٍ وَ الْحَسَنَ، دَخَلَا الْمَسْجِدَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَجَلَسَا، فَدَمِعَتْ عَيْنُ الْحَسَنِ، فَقَالَ عَبْدُ الْوَّاحِدِ: يَا أَبَا سَعِيدٍ مَا يُبْكِيكَ؟ فَقَالَ: أَرَى قَوْلًا...» (ابن بطه، ۱۴۱۵ هـ.ق، ج ۲: ۶۶۵).

## ۵-۶. هماهنگی خطبه متقین با آموزه‌های صوفیه

با مرور و بررسی آموزه‌ها و مفاهیم خطبه متقین، به نظر می‌رسد که این خطبه، علاوه بر دربرداشتن برخی از اصول ساختاری صوفیه، به نوعی «منشور تعالیم و آموزه‌های تربیتی صوفیان» نیز می‌باشد. تصوف، طریقتی مبتنی بر آداب سلوک، جهت تزکیه نفس و اعراض از دنیا برای وصول به حق و به کمال رسیدن نفس بوده و شیوه آن، کنترل نفس و ترک علائق دنیوی و خویش‌داری است (برای نمونه نک: چیتیک، ۱۳۸۶: ۲۵). تعالیم تربیتی صوفیانه، همانند: «استقبال از مرگ و انتقال، انسان دوستی و صلح و صفا، برادری و ایثار، بی‌ریایی و دفع ظاهرپرستی، توجه به خانواده و کسب و کار، تهذیب نفس بر پایه تعالیم اخلاقی، خدمت به مردم و تعاون، وارستگی و آزادگی، وقت و اهمیت زمان» (برای نمونه نک: ژبانی، ۱۳۹۴: ۲۱۳؛ نصر، ۱۳۹۳) گویای این همانی این تعالیم با آموزه‌های خطبه متقین است؛ برای نمونه، به مشابهت یکی از اصول مهم صوفیان که از آن به مراحل «مرگ ارادی» یاد می‌کنند، یعنی موت ابیض و اسود و احمر (برای نمونه نک: معتمدی، ۱۳۹۷: ۱۸۵) با آموزه‌های خطبه متقین می‌پردازیم.

### ۶-۵-۱. گرسنگی یا موت ایض

جوع در نظر صوفیان، کم خوردن منجر به احساس گرسنگی است که در میان صوفیان متقدم، به معنای گرسنگی اختیاری به کار رفته و در احادیث بسیاری در کتب تصوف و عرفان، سفارش شده است که برای رسیدن به خدا، به جوع پناه ببرید. به دیگر سخن، گرسنگی و موت ایض، جزو آداب یا ارکان مجاهدت صوفیان، و مدخل زهد و شیوه عملی جای گرفتن معنویت در دل سالک است.

در خطبه متقین، در دو جا به نتیجه گرسنگی و موت ایض اشاره شده است: یکی «أَجْسَادُهُمْ نَحِيفَةٌ» و دیگری «يُنْظَرُ إِلَيْهِمُ النَّاطِرُ فَيَحْسَبُهُمْ مَرْضَى وَمَا بِالْقَوْمِ مِنْ مَرْضَى». درباره عبارت «أَجْسَادُهُمْ نَحِيفَةٌ»، چند نکته درخور توجه است:

(الف) این عبارت نهج البلاغه، در منابع متقدم تر که حاوی این بخش هستند، به این صورت آمده است: «مُعَدِّبِينَ شُرُورَهُمْ مَأْمُونَةً وَقُلُوبَهُمْ مَحْزُونَةً وَأَنْفُسَهُمْ عَفِيفَةً وَحَوَائِجُهُمْ خَفِيفَةً» (دینوری، ۱۴۱۸ هـ.ق، ج ۲: ۳۸۰؛ همو: ۱۴۱۹ هـ.ق: ۲۵؛ ابن ابی الدنيا، ۱۴۱۳ هـ.ق: ۳۸؛ همو: ۱۴۱۲ هـ.ق: ۶۹؛ شلمغانی، ۱۴۰۶ هـ.ق: ۳۷۰؛ ابن عبدربه، بی تا، ج ۳: ۱۲۵؛ کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ج ۲: ۱۳۱؛ الدینوری المالکی، ۱۴۱۹ هـ.ق، ج ۲: ۱۴۴).

(ب) طبق برخی گزارش‌های تاریخی، حضرت امیر<sup>(ع)</sup> و برخی از امامان<sup>(ع)</sup> بدن نحیفی نداشته‌اند (به عنوان نمونه، برای دیدن گزارشات مختلف موافق و مخالف، نک: فقیه ایمانی، ۱۳۹۵: ۷۲).

(ج) طبق این عبارات نهج البلاغه، «افراد چاق و کسانی که بدن نحیفی ندارند، متقی نیستند». این گزاره از جهت کلام اسلامی، نمی‌تواند با افرادی که از نظر ژنتیکی چاق هستند و نمی‌توانند لاغر باشند، هماهنگ و به نوعی عادلانه باشد. به عبارت دیگر دیگر، نمی‌توان ایمان و پرهیزکاری را با مشخصات غیرارادی و مادرزادی، گره زد.

## ۶-۵-۲. تحمل ایذای خلق یا موت اسود

«موت اسود» یعنی پایان خشم و تحمل آزار خلق و صبر بر ایذای مردم که از انواع موت ارادی نزد صوفیه است (قشیری، ۱۳۸۳: ۴۳؛ معتمدی، ۱۳۹۷: ۱۸۹). در خطبه همام نیز می‌خوانیم: «وَإِنْ بُعِيَ عَلَيْهِ صَبَرَ حَتَّى يَكُونَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي يَنْتَقِمُ لَهُ نَفْسُهُ مِنْهُ فِي عَنَاءٍ وَ النَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ» (رضی، ۱۳۸۵: ۲۸۸).

این فرازهای نهج البلاغه، در منابع متقدم‌تر که حاوی روایت غیرمشروح خطبه هستند، وجود ندارد (دینوری، ۱۴۱۸هـ.ق، ج ۲: ۳۸۰؛ همو: ۱۴۱۹هـ.ق: ۲۵؛ ابن ابی الدنيا، ۱۴۱۳هـ.ق: ۳۸؛ همو: ۱۴۱۲هـ.ق: ۶۹؛ شلمغانی، ۱۴۰۶هـ.ق: ۳۷۰؛ ابن عبدربه، بی تا، ج ۳: ۱۲۵؛ کلینی، ۱۴۰۷هـ.ق، ج ۲: ۱۳۱؛ الدینوری المالکی، ۱۴۱۹هـ.ق، ج ۲: ۱۴۴).

## ۶-۵-۳. مخالفت با نفس یا موت احمر

مرگ احمر مخالفت با نفس است یا همان جنگ با نفس اماره و کشتن نفس. حتی موت ایبض و موت اسود، به نوعی رسیدن به موت احمر و سرکوبی نفس است (لاهیجی، ۱۳۷۱: ۴۲۶؛ معتمدی، ۱۳۹۷: ۱۸۹). در فرازهایی از خطبه همام نیز می‌خوانیم «فَهُمْ لِأَنْفُسِهِمْ مُتَّهَمُونَ» یا «إِنْ اسْتَصَعَبَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فِيمَا تَكَرَّرَ لَمْ يُعْطَهَا سُؤْلَهَا فِيمَا تُحِبُّ» (رضی، ۱۳۸۵: ۲۸۸). این فرازهای نهج البلاغه، در منابع متقدم‌تر که حاوی روایت غیرمشروح خطبه هستند، وجود ندارد (دینوری، ۱۴۱۸هـ.ق، ج ۲: ۳۸۰؛ همو: ۱۴۱۹هـ.ق: ۲۵؛ ابن ابی الدنيا، ۱۴۱۳هـ.ق: ۳۸؛ همو: ۱۴۱۲هـ.ق: ۶۹؛ شلمغانی، ۱۴۰۶هـ.ق: ۳۷۰؛ ابن عبدربه، بی تا، ج ۳: ۱۲۵؛ کلینی، ۱۴۰۷هـ.ق، ج ۲: ۱۳۱؛ الدینوری المالکی، ۱۴۱۹هـ.ق، ج ۲: ۱۴۴).

## ۶-۶. اسناد روایات منابع متقدم‌تر

علاوه بر اینکه اسناد متن روایت متقدم‌تر و غیرمشروح خطبه متقین به حسن بصری برمی‌گردند، این نکته بسیار حائز توجه است که اسناد منابع متن مشروح خطبه نیز که گوینده آن‌ها حضرت

امیر<sup>۱</sup> دانسته شده، جز سه سند مخدوش، همگی بدون اسناد و با عبارت «رُوی» و مجهول ذکر شده‌اند. اکنون لازم است پرسیده شود که چرا منابع متقدم‌تر سنددار هستند و منابع بعدی، اسنادی برای نقل خود بیان نکرده‌اند؟ آیا این وضعیت گویای نکته‌ای نیست؟ به عبارت دیگر دیگر، ممکن است که علاقه‌مندان به یک متن، در مواردی که اسناد متن مشکل دارد، اسناد آن را حذف یا تعویض یا جعل نمایند تا متن مورد علاقه خود را موجه جلوه دهند.

## ۷. نتیجه

۱. روایت یا خطبه متقین، به سه شکل کلی (مختصر، مفصل و متفاوت از نهج البلاغه)، در بیش از ۲۵ منبع از منابع متقدم درج شده است که حدود نیمی از آن‌ها بدون سند هستند.

۲. اگر گوینده اصلی متن یا خطبه متقین را حضرت امیر<sup>۲</sup> بدانیم، راوی اصلی آن و به نوعی ناظر واقعه، این افراد می‌شوند: راوی مجهول؛ ابن عباس؛ نوف بکالی؛ سلیم بن قیس؛ حسن بصری؛ اوفی بن دلهم؛ علی بن حسین<sup>۳</sup>؛ امام صادق<sup>۴</sup>؛ امام باقر<sup>۵</sup>؛ ذوالنون المصری که اگر فقط راویان هم طبقه با حضرت امیر<sup>۲</sup> را در نظر بگیریم، تعداد راویان اصلی واقعه، تقلیل یافته و حدود شش نفر می‌شوند؛ با توجه به اینکه یک متن با هسته اصلی و عبارات یکسان که لاجرم گوینده آن نمی‌تواند بیش از یک نفر باشد، توسط پنج یا شش نفر نقل مستقیم یا به‌عنوان راوی ناظر ارائه شده است، می‌توان گفت که جز یک نفر، بقیه راویان اصلی متن جعلی یا نادرست هستند.

۳. با توجه به اسناد خطبه در منابع متقدم و نیز متن منابع متقدمی که روایت یا خطبه مشهور به متقین در آن‌ها آمده است، صاحب کلام متن روایت یا خطبه، به شش نفر منتهی و منتسب می‌شود: علی<sup>۶</sup>، حسن بصری، عالم، ابن عباس، علی بن حسین<sup>۷</sup> و ذوالنون المصری؛ با این وضع، گوینده اصلی متن یا خطبه متقین از طریق اسناد منابع متقدم، به سادگی قابل شناسایی نیست. بنابراین چند راه می‌توان

پیش گرفت: الف) متن را کلاً مخدوش بدانیم و هیچ انتسابی را نپذیریم؛ ب) یکی از انتسابات را به دلایل و شواهدی بپذیریم؛ ج) فرازهای متن خطبه را تفکیک و انتساب هر بخش را مجزا بررسی نماییم. اگر اسناد روایات منابع را ساده کنیم و اسناد تکراری و منابع بدون سند متقدم‌تر را از جدول این اسناد حذف کنیم، جز سند کافی که خطبه متقین را از امام سجاد<sup>(ع)</sup> دانسته است، تمامی منابع متقدم‌تر که متن غیرمشروح خطبه را دارند، گوینده متن خطبه را حسن بصری درج نموده‌اند. همچنین، قابل توجه است که اسناد منابع مشروح خطبه نیز جز سه مورد، همگی مجهول نقل شده و حذف سند گشته‌اند.

۴. در این میان، چند نکته پیرامون متن و اسناد خطبه درخور توجه است: الف) متن مشروح خطبه در منابع نخستین نیست؛ ب) متن روایت غیرمشروح خطبه همام، بریده نیست؛ ج) انتساب روایت خطبه به حسن بصری و ذوالنون مصری. از سوی دیگر توجه به مجلس‌گویی صوفیان و ادبیات تعلیمی آن‌ها در کشف گوینده خطبه همام حائز اهمیت است و ما را به برخی از احتمالات پیش روی برای کشف گوینده خطبه رهنمون می‌کند. از جمله اینکه: یک) متن روایت غیرمشروح و مشروح، هر دو از حضرت امیر<sup>(ع)</sup> است؛ دو) متن روایت غیرمشروح از حضرت امیر<sup>(ع)</sup> است؛ ولی اضافات تشریحی آن، که در منابع نیمه دوم قرن چهارم به بعد آمده، از دیگران است؛ سه) متن روایت غیرمشروح و مشروح، هر دو از دیگران هستند.

۵. برای کشف درستی انتساب گوینده اصلی دو متن مشروح و غیرمشروح و درستی بعضی فرضیه‌ها، برخی از شواهد سندی و متنی خطبه متقین، می‌تواند تعیین فرضیه‌های انتساب را پشتیبانی نماید که برخی از آن‌ها عبارتند از: الف) همام هویت تاریخی به عنوان صحابی امام علی<sup>(ع)</sup> ندارد. همچنین نوع وجود داستان همام در منابع و تنوع شکلی آن، از تدوین شدن این داستان در زمان‌های متأخر نشان دارد.

اساساً نوع داستان همام، کلیدواژه داستان‌های صوفیه است. ب) وجود بخش‌هایی از خطبه در روایت‌ها و داستان‌های صوفیان. ج) با مرور و بررسی آموزه‌ها و مفاهیم خطبه متقین، به نظر می‌رسد که این خطبه، علاوه بر دربرداشتن برخی از اصول ساختاری صوفیه، به نوعی «منشور تعالیم و آموزه‌های تربیتی صوفیان» نیز می‌باشد و هماهنگی کاملی با آموزه‌های صوفیه دارد. برای نمونه، می‌توان به مشابَهت یکی از اصول مهم صوفیان که از آن به مراحل «مرگ ارادی» یاد می‌کنند، یعنی موت ابیض و اسود و احمر با آموزه‌های خطبه متقین، اشاره نمود. د) توجه به اسناد روایات منابع متقدم‌تر نیز این شواهد ذکرشده را تقویت می‌کند.

۶. نتیجه نهایی اینکه با توجه به اسناد و شواهد متنی و داستان همام، به نظر می‌رسد که خطبه متقین از تراث صوفیه باشد.

### پی‌نوشت‌ها

۱) اکنون هشت مدل و نوع مختلف نسخه خطی (با تحریرهای متفاوت) از کتاب سلیم که تفاوت‌های فاحشی دارند، پیش روی ماست؛ به گونه‌ای که نسخه‌های خطی و نیز چاپ‌های موجود از این کتاب، شامل هشت حدیث تا ۲۲، ۳۲، ۴۲، ۴۷، ۴۸، ۹۹ حدیث هستند (نک: استادی، ۱۳۹۹: ب). خطبه همام در نسخه‌های خطی کتاب‌های منسوب به سلیم که مدل‌های قدیمی محسوب می‌شوند، وجود ندارد. فقط در نسخه‌های گروه ب مدل ۵، ادعا شده که خطبه همام و چهار حدیث دیگر، در نسخه‌های مجهول که اکنون در دسترس نیست، وجود داشته است.

## منابع

۱. ابن ابی الحدید (بی تا). شرح نهج البلاغة. تحقیق: محمد أبو الفضل إبراهيم. قم: إسماعیلیان.
۲. ابن أبی الدنيا (۱۴۱۲ق). الهم و الحزن. بی جا: دارالسلام.
۳. ——— (۱۴۱۳ق). الأولیاء. بیروت: مؤسسة الکتب الثقافیة.
۴. ابن أبی شیبہ (۱۴۰۹ق). مصنف ابن أبی شیبہ (المصنف فی الأحادیث و الآثار). تحقیق یوسف الحوت. بیروت: دارالتاج.
۵. ابن بطه، عبیدالله (۱۴۱۵ق). الإبانة الكبرى. ریاض: دارالرایة.
۶. ابن حمدون، محمد بن حسن (۱۹۹۶). التذكرة الحمدونية. بیروت: دار صادر.
۷. ابن عبدربه (بی تا). العقد الفريد. بیروت: دارالکتب العلمیة (افست).
۸. ابن عساکر، علی (۱۴۱۵ق). تاریخ مدینة دمشق. بیروت: دار الفکر.
۹. ابونعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله (بی تا). حلیة الأولیاء و طبقات الأصفیاء. قاهره: دار أم القرى.
۱۰. أحمد بن حنبل (۱۴۲۰ق). الزهد. حواشیه: محمد شاهین. بیروت: دارالکتب العلمیة.
۱۱. استادی، رضا (۱۳۸۳). مدارک نهج البلاغه. قم: قدس.
۱۲. استادی، کاظم (۱۳۹۹ الف). دربارهٔ نسخه های خطی منسوب به سلیم. قم: کتابخانه دارالحدیث.
۱۳. ——— (۱۳۹۹ب). «معرفی نسخه های خطی سلیم». میراث شهاب. قم: ش ۹۹.
۱۴. ——— (۱۴۰۰ الف). «بررسی انتساب سند کتاب سلیم به شیخ طوسی». علوم حدیث. دورهٔ ۲۶. ش ۱. ش پیاپی ۹۹. ۱۵۰-۱۷۷.

۱۵. \_\_\_\_\_ (۱۴۰۰ب). «بازشناسی مؤلف و قدمت تاریخی کتاب‌های منسوب به سلیم بن قیس». مطالعات ایرانی - اسلامی. ۱۱د. ش ۳.
۱۶. \_\_\_\_\_ (۱۴۰۱). «بررسی تطبیقی خطبه متقین (همام) در منابع متقدم». مخطوط. قم: کتابخانه دارالحدیث.
۱۷. اسکافی، محمد بن همام یا ابن شعبه حرانی (بی تا). التّمحیص. قم: مدرسه الامام المهدی (ع).
۱۸. امید پور، ولی (۱۳۹۶). «بررسی سبک شناختی خطبه همام». پژوهشنامه نهج البلاغه. ۵د. ش ۱۷.
۱۹. بحرانی، ابن میثم (۱۳۷۰). شرح نهج البلاغه. ترجمه عارف. مشهد: قدس رضوی.
۲۰. پورجوادی، نصر الله (۱۳۸۰). «لطایف قرآنی در مجالس سیف‌الدین باخرزی». معارف. ۱۸د. ش ۲.
۲۱. چیتیک، ویلیام (۱۳۸۶). درآمدی بر تصوف. ترجمه محمدرضا رجیبی. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
۲۲. حاجی خانی، علی (۱۳۹۷). استناد نهج البلاغه و نقد شبهات پیرامون آن. تهران: سمت.
۲۳. حرانی، ابن شعبه (۱۴۰۴ق). تحف العقول عن آل الرسول (ص). تحقیق علی اکبر غفاری. قم: النشر الاسلامی.
۲۴. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۷ق). خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال. قم: مؤسسه نشر الفقاهة.
۲۵. الخلدی، جعفر بن محمد (۱۴۰۹ق). الفوائد والزهد والرقائق والمرائی. طنطنا (مصر): دارالصحابه.
۲۶. دشتی، محمد (۱۳۸۵). ترجمه نهج البلاغه. قم: محدث.

۲۷. دین پرور، جمال‌الدین (۱۳۸۵). از پارسایان برایم بگو: ترجمه خطبه متقین (همام). تهران: بنیاد نهج البلاغه.
۲۸. الدینوری المالکی، أحمد بن مروان (۱۴۱۹ق). المجالسة و جواهر العلم. بیروت: دار ابن حزم.
۲۹. دینوری، ابن قتیبه (۱۴۱۸ق). عیون الاخبار. بیروت: دارالکتب العلمیة.
۳۰. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۹ق). تأویل مختلف الحدیث. بیروت: المکتب الاسلامی (مؤسسة الإشراف).
۳۱. رشاد، علی اکبر (۱۳۸۰). دانشنامه امام علی (ع). تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.
۳۲. رضی، محمد بن الحسین (۱۳۸۵). نهج البلاغه. قم: مؤسسه امیرالمومنین (ع).
۳۳. رضی، محمد بن الحسین (۱۴۳۱ق). نهج البلاغه. تحقیق قیس عطار. قم: الرافد.
۳۴. ژیانی، ناهید و جمشید صدری (۱۳۹۴). «تعالیم و آموزه‌های تربیتی صوفیان». عرفان اسلامی. س ۱۱. ش ۴۴.
۳۵. سبط بن الجوزی، یوسف بن قزاوغلی (۱۴۲۶ق). تَذْکِرَةُ الْخَوَاصِّ مِنَ الْأُمَّةِ فِي ذِکْرِ خَصَائِصِ الْأُمَّةِ. قم: شریف رضی.
۳۶. سلیم بن قیس (۱۴۱۵ق). سلیم بن قیس الهلالی. قم: الهادی.
۳۷. سلیمانی، مرتضی (۱۳۸۷). مجلس گویی و مجلس نویسی در ادب پارسی با تأکید بر مجالس سبعة، مجالس پنج‌گانه، معارف بهاء ولد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد ادبیات فارسی. دانشگاه قم.
۳۸. السید، صبری ابراهیم (۱۴۰۶ق). نهج البلاغه (نسخه جدیدة محققة و موثقة تحوی ما ثبتت نسبتہ للإمام علی من خطب و رسائل و حکم). قطر: دارالثقافة.
۳۹. شاکر، محمود محمد (۱۹۷۵م). «نهج البلاغه و گردآورنده آن». الکاتب. س ۱۵. ش ۱۷۰.

۴۰. شامحمدی، زهرا (۱۳۸۹). نقد و بررسی روش دکتر صبری ابراهیم السید در نهج البلاغه. پایان نامه کارشناسی ارشد، قم: دانشکده علوم حدیث.
۴۱. شبیری زنجانی، سید موسی (۱۳۹۹). جرعه ای از دریا (ج ۴). قم: مؤسسه کتاب شناسی شیعه.
۴۲. شلمغانی، (منسوب به) محمد بن علی (۱۴۰۶ق). فقه الرضا<sup>(ع)</sup>. قم: مؤسسه آل البيت<sup>(ع)</sup>.
۴۳. شوشتری، محمدتقی (۱۳۷۶). بهج الصباغه فی شرح نهج البلاغه. تهران: امیرکبیر.
۴۴. \_\_\_\_\_ (۱۴۰۱ق). الاخبار الدخيلة. تهران: مكتبة الصدوق.
۴۵. شهرستانی، سیده‌الهدیه‌الدین و دیگران (۱۳۸۷). مقالاتی پیرامون نهج البلاغه. تهران: بنیاد نهج البلاغه.
۴۶. الصالحی الشامی، محمد بن یوسف (بی تا). سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴۷. صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۲). صفات الشیعه. تهران: اعلمی.
۴۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۶). الأمالی صدوق، تهران: کتابچی.
۴۹. صفا، ذبیح الله (۱۳۱۵). «تاریخ تعلیم و تربیت در ایران». مهر، ش ۴۶.
۵۰. طباطبائی، ذبیح الله (۱۳۹۳). «سیر تطور مجلس گویی صوفیانه به عنوان نوعی ادب تعلیمی؛ از آغاز تا پایان دوره صفوی». پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، س ۶، ش ۲۳.
۵۱. طبرسی، فضل بن حسن (بی تا). مکارم الاخلاق. المحقق: محمد الحسین الاعلمی. بیروت: مؤسسه الاعلمی.
۵۲. عطار نیشابوری، فریدالدین محمد (۱۳۸۷). تذکره الاولیاء. تصحیح نیکلسون.

تهران: اساطیر.

۵۳. الفتال النیشابوری، ابوعلی (۱۳۷۵). روضة الواعظین و بصیرة المتعظین. قم: رضی.
۵۴. فقیه ایمانی، سید محمدرضا و محمود کریمی (۱۳۹۵). «نقد و تحلیل روایات الانزع البطین در جوامع روایی فریقین». پژوهشنامه قرآن و حدیث. ش ۱۹.
۵۵. قشیری، عبدالکریم بن هوازن (۱۳۸۳). رساله قشیریه. ترجمه عثمانی. تهران: علمی و فرهنگی.
۵۶. کراجکی، محمد بن علی (۱۴۱۰ق). کنزالفوائد. قم: دارالذخائر.
۵۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. محقق: علی اکبر غفاری. تهران: دارالکتب الإسلامية.
۵۸. لاهیجی، شمس الدین (۱۳۷۱). مفاتیح الاعجاز فی شرح گلش راز. تهران: زوار.
۵۹. مازندرانی، محمد صالح بن احمد (۱۳۴۲). شرح الکافی. تهران: المكتبة الإسلامية.
۶۰. مجلسی، محمدتقی (۱۳۸۵). شرح خطبة متقین (شرح حدیث همام). تصحیح جویا جهانبخش. تهران: اساطیر.
۶۱. محمد بن منور (۱۳۶۶). اسرار التوحید فی مقامات الشیخ أبی سعید. به اهتمام محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: آگاه.
۶۲. معتمدی، مسعود (۱۳۹۷). «مرگ ارادی (تسلط بر نفس)». پژوهشنامه عرفان. د ۱۰. ش ۱۸.
۶۳. مقدسی، ابن قدامه (۱۳۸۷). التوابعین. ترجمه دامغانی. تهران: اطلاعات.
۶۴. نصر، حسین (۱۳۹۳). آموزه های صوفیان از دیروز تا امروز. ترجمه حیدری. تهران: قصیده سرا.
۶۵. نصیبی شافعی، محمد بن طلحه (۱۴۱۹ق). مطالب السؤول فی مناقب آل الرسول. بیروت: البلاغ.

۶۶. نقشبندی، عبدالستار (۱۳۹۸). «قسم چشم و صورت ایمان». پژوهشنامه نهج البلاغه. س ۷. ش ۲۷.
۶۷. وکیع بن الجراح (۱۴۰۴ق). کتاب الزهد. تحقیق: الفریوائی. مدینه: الدار.
۶۸. هجویری، علی بن عثمان (۱۳۸۳). کشف المحجوب. تصحیح محمود عابدی. تهران: سروش.
۶۹. هیتمی، احمد بن محمد (۱۴۱۷ق). الصواعق المحرقة علی أهل الرفض والضلال و الزندقة. بیروت: الرسالة.

